

The Relationship between Religious Identity and the Feeling of Social Exclusion among Students

Mahnaz Karami 

Master of Sociology, Alzahra University,
Tehran, Iran

Maryam Ghazinejad 

Associate Professor of Sociology,
Alzahra University, Tehran, Iran

Mansoureh Azam Azadeh 

Associate Professor of Sociology,
Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract

Even though it can be argued that inequality, distance, and social exclusion have always existed across societies, one can not ignore reflecting on the reason why and how it is created together with its consequences for today's various groups and social systems. The aim of this study is to explain the relationship between religious identity and the feeling of social exclusion by considering the mediating variable of social distance between two groups of Shiite and Sunni students. The statistical sample includes 279 graduate students of the faculties of social sciences in the three universities of Allameh Tabataba'i, Tehran and Beheshti, in which Sunni and Shiite students were chosen through snowball method and random selection, respectively. The findings indicate that the mean values of feelings of social exclusion, social distance and religious identity among Sunni students are higher than Shiite ones. Also, there is a direct relationship between the level of religious identity and the feeling of social exclusion, and the same is true for social distance and the feeling of social exclusion. Multivariate regression analysis reveals that the variables included in the equation have been able to explain a significant part of the variance of the changes related to the dependent variable. The results of path analysis also demonstrate that the variables of religious identity, ethnicity and social distance are related to the feeling of social exclusion.

Keywords: Religious Identity, Social Distance, Social Exclusion, Shiite, Sunni, Students.


This paper is extracted from MA Thesis of Mahnaz Karami, Al-Zahra University.


Corresponding Author: Mhnz67@gmail.com


How to Cite: Karami, M., Ghazinejad, M., Azadeh, M. A. (2021). The Relationship between Religious Identity and the Feeling of Social Exclusion among Students, *Quarterly Journal of Social sciences*, 28(94), 1-43.



رابطه هویت مذهبی و احساس طرد اجتماعی در بین دانشجویان

مهناز کرمی  کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

مریم قاضی نژاد  دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

منصوره اعظم آزاده  * دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

چکیده

به‌رغم اینکه می‌توان مدعی شد نابرابری، فاصله و طردشدگی اجتماعی همواره در جوامع وجود داشته است، نمی‌توان از تأمل در چرایی، چگونگی و پیامدهای آن برای گروه‌های مختلف و نظام‌های اجتماعی دارای تنوع و تکثر امروز، چشم‌پوشی کرد. پژوهش حاضر باهدف تبیین رابطه هویت مذهبی و احساس طرد اجتماعی با در نظر گرفتن متغیر واسطه اجتماعی در میان دو گروه دانشجویان شیعه و سنی انجام شده است. نمونه آماری شامل ۲۷۹ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده‌های علوم اجتماعی سه دانشگاه علامه طباطبائی، تهران و شهید بهشتی است که دانشجویان سنی به شیوه گلوله‌برفی و دانشجویان شیعه به شیوه تصادفی انتخاب شده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که مقدار میانگین شاخص‌های احساس طرد اجتماعی، فاصله اجتماعی و هویت مذهبی در میان دانشجویان سنی بیش از دانشجویان شیعه می‌باشد. همچنین، بین میزان هویت مذهبی با احساس طرد اجتماعی و بین فاصله اجتماعی با احساس طرد اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد. تحلیل رگرسیون چند متغیری بیانگر آن است که متغیرهای وارد شده به معادله توانسته‌اند بخش قابل توجهی از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین نمایند. نتایج تحلیل مسیر نیز حاکی از آن است که متغیرهای هویت مذهبی، قومیت و فاصله اجتماعی با احساس طرد اجتماعی رابطه دارند.

کلیدواژه‌ها: هویت مذهبی، فاصله اجتماعی، احساس طرد اجتماعی، شیعه، سنی، دانشجویان.

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهناز کرمی دانشگاه الزهراء(س) است.

* نویسنده مسئول: Mhnz67@gmail.com

طرح مسأله

در درون جوامع دارای تنوع قومی، محیط‌های فرهنگی گوناگون و سطوح تعلق متفاوت است. ناسازگاری‌های فرهنگی، آغاز مجموعه گسترده‌ای از مشکلات اجتماعی بوده که تبلور آن را می‌توان در ناهنجاری‌های ارزشی، نگرشی و رفتاری مشاهده کرد. این ناسازگاری‌ها به‌ویژه از آن‌رو تقویت می‌شوند که الگوهای استناد که در ابتدا گروه‌های محلی و قومی بوده و اساس رفتارها را تشکیل می‌دادند، دچار دگرگونی شده و در ترکیب خود با الگوهای جدید، در سطوح متفاوت ارزش‌های جدید اجتماعی ایجاد اشکال پیوندی می‌کنند که در بسیاری موارد آن‌ها را می‌توان به‌صورت اثرات سوء هویتی - اجتماعی مشاهده کرد (Fakuhi, 2010).

به‌رغم اینکه می‌توان مدعی شد طردشدگی اجتماعی همواره در جوامع وجود داشته است، نمی‌توان از تأمل در چرایی آن چشم‌پوشی کرد. محور بروز طردشدگی اجتماعی، یک امر متفاوت است، یعنی همسان نبودن با گروه یا گروه‌های جمعیتی مسلط، غالب و صاحب قدرت. متفاوت بودن در موارد بسیار، به گروه‌هایی از جامعه جایگاه فرودستی می‌دهد. یک گروه جمعیتی ممکن است به دلایل غیراکتسابی و در بسیاری از موارد ناخواسته، از قبیل جنس، قومیت، مذهب، سن، بیماری و طبقه اجتماعی در حاشیه گروه‌های اکثریت و مسلط قرار گیرد، طرد شود و به‌عنوان فرودست تعریف شود (Shahabadi & Belgorian, 2014). همچنین در بسیاری موارد عوامل انتسابی از قبیل مذهب، جنس و غیره سبب جدایی و کناره‌گیری افراد از گروه و جامعه بزرگ‌تر و به سخن دقیق‌تر طرد اجتماعی افراد و ترک صحنه رقابت - همکاری اجتماعی و عدم مطالبه حقوق مدنی، اقتصادی و اجتماعی‌اند. نابرابری با سلب دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی، اشتغال، سلامت و غیره باعث فقر اقتصادی و درآمدی و ضعف قابلیت‌های انسانی و تشدید مسائل اجتماعی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که امروزه از سویی آمار طلاق، اعتیاد، تورم، انواع جرم و فاصله طبقاتی رو به فزونی دارد و از سوی دیگر قدرت خرید، روابط همسایگی، سلامت جسمانی و روحی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی رو به کاهش دارد. در

همین راستا اگر از منظر خاص نگریده شود، به وضوح می توان دید شدت و شکل مسائل و آسیب های اجتماعی در افراد و گروه ها متفاوت است و برخی گروه های سنی، جنسی، مذهبی، قومیتی و یا مهاجر بیشتر لبه پرتگاه آسیب های اجتماعی ناشی از نابرابری های اجتماعی اقتصادی قرار دارند (Hamidian et al, 2015).

خصلت دنیای امروز، طرد و رد عقاید و نگرش های یکپارچه و یک دست یعنی ذره های بنیادی نظام های فکری - فرهنگی درختی شکل سنتی است. در عوض اندیشه های سیار، بر باروری متقابل فرهنگ ها ارج می نهند. در واقع، ویژگی فرهنگی متجدد، اختلاط فرهنگی در تقابل با دلبستگی متحجرانه و در خود فرورفته به قوم و قبیله است (Shaygan, 2001). با این وصف، واقعیت حاکی از آن است که در بیشتر جوامع و دولت ها، عملاً شماری از گروه ها و اعضای جامعه، احساس در «متن» نبودن و مطرودیت و «حاشیه» نشینی اجتماعی داشته و دارند. مسأله طرد و به انزوا کشیده شدن گروه های مذکور و نابرابری ها و مشکلات عینی - از قبیل کمبود منابع و امکانات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در اختیار آن ها و یا فاصله وضعیت کنونی با وضعیت مورد انتظار برای زندگی و موقعیت - که با آن مواجه می شوند، بالتبع به ذهنیت منفی و احساس طرد و نابرابرنگاری در میان آنان می انجامد و حس برابری، به عنوان یکی از ویژگی های اساسی و مهم شهروندی را خدشه دار می سازند. هنگامی که جوامع و دولت ها در درون خود، اقلیت های اجتماعی را از بسیاری منابع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره که در دسترس اکثریت است محروم می کنند، بدیهی است که طردهای رخ داده و احساس نابرابری، تفاوت و تبعیض حاصل، برای کلیت جامعه، نظام های مختلف اجتماعی و جریان سالم و عادی حیات جمعی، هزینه های سنگینی دربر خواهد داشت که مطالعه و بررسی آن در جوامع متکثر فعلی، از جهات مختلف حائز اهمیت است.

طرد اجتماعی پدیده ای چند بعدی است و فراتر از ابعاد مادی و کمبودهای اقتصادی بر دامنه متنوعی از محرومیت های اجتماعی - فرهنگی نیز دلالت دارد. از نظر اجتماعی و فرهنگی احساس طرد بیشتر با عدم رضایت و عدم تعلق فرد به اجتماعات هویت بخش

(محلله‌ای، قومی، مذهبی) ارتباط دارد (Firoozabadi, 2013). بر همین اساس، ایران نیز به‌عنوان کشور و جامعه‌ای که در آن تنوعات دینی و مذهبی و قومی و غیره زیاد است، از مسأله طردهای اجتماعی و بیش از آن، احساس طرد شدگی مستثنی نیست. به رغم تلاش‌های صورت گرفته و سیاست‌گذاری‌هایی که در زمینه قوانین و مقررات برای این دسته از جمعیت صورت گرفته است، افراد و گروه‌های یاد شده (اقلیت‌ها) خود را یک شهروند عادی تلقی نمی‌کنند و تعاملات شهروندی عادی را ندارند و...؛ و از آنجا که خود را در مقام شهروندان «درجه دوم» تلقی می‌کنند، محتمل است از نقاط قطع اتصال اساسی به جامعه و سایر گروه‌های اجتماعی، برای خود و جامعه‌شان، آسیب‌زا باشند. در جامعه ایران محققین مسائل قومی- مذهبی ضمن اذعان به وجود فاصله‌های قومی- مذهبی در مناطق کردنشین کشور، به این مسأله اشاره کرده‌اند که استان کردستان در سال ۱۳۷۵ یکی از محروم‌ترین استان‌ها در ایران بوده است و از نظر محرومیت و توسعه‌نیافتگی، رتبه هشتم را در بین استان‌های کشور داشته است. در همین راستا، محققین اجتماعی با توجه به مطالعات متأخر صورت گرفته در زمینه محرومیت در مرکز کشور (تهران) گروه‌های مختلفی را جزو طردشدگان بحساب آورده‌اند که اقلیت‌های مذهبی نیز جزو این گروه‌ها محسوب می‌شوند. به طوری که مثلاً گفته شده در هیچ‌یک از تبلیغات انتخاباتی، گروه‌های در معرض طرد (نظیر کودکان، سالخورده‌گان، معلولان، اقلیت‌های قومی و مذهبی و...) نه‌تنها مورد توجه داوطلبان ورود به مجلس قرار نگرفته‌اند، بلکه بعدها نیز حزب پیروز انتخابات، در اهداف و برنامه‌های خود ذکری از گروه‌های یاد شده، به‌ویژه اقلیت‌های قومی-مذهبی، به میان نیاورده است (Abdollahi & Qaderzadeh, 2004).

همچنین بر اساس تحقیقاتی که در خصوص بررسی رابطه قومیت، مذهب و فرصت‌های شغلی انجام شده است در جامعه ما افراد کرد اهل تسنن نسبت به افراد غیر کرد اهل تشیع به‌صورت نابرابری به فرصت‌های شغلی دست پیدا می‌کنند (Soma Mohamadi, 2017).

برخی محققان نیز در بررسی زمینه‌های واگرایی فرهنگی و خشونت سیاسی در میان

اهالی سنی مذهب بلوچستان، کردستان و منطقه ترکمن صحرای ایران بیان داشته‌اند که اقلیت سنی مذهب ایرانی در موقعیت واگرایی قرار گرفته‌اند که بنا به خوانش ایشان از یک طرف با احساس طردشدگی از جانب دولت مرکزی همراه است و از طرف دیگر با طرد کردن دولت مرکزی و احساس بی‌اعتمادی بدان هم‌زمان می‌گردد (Sobhan (Mahmoudzadeh Rezaei, 2011).

در همین رابطه مفهوم و رویکرد جدید طرد و شمول اجتماعی توجه محققین مسائل اجتماعی را به طیف وسیع عواملی جلب می‌کنند که افراد و گروه‌های محروم از جمله اقلیت‌های قومی و مذهبی را از داشتن فرصت‌هایی که پیش روی اکثریت جمعیت است، بازمی‌دارد. به بیان دیگر، نابرابری در توزیع فرصت‌ها و منابع، محرومیت از مشارکت کامل در جامعه را برای گروه‌های مطرود در پی دارد و این مسأله سبب ایجاد احساس طرد اجتماعی در میان اعضای گروه‌های مذکور می‌گردد. از آنجا که طرد، فقط به محرومیت مالی نسبی فقرا نمی‌پردازد، بلکه فرایندهای گسترده‌تر منزوی شدن، جدا افتادن و مشارکت محدود در فعالیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را نیز مدنظر قرار می‌دهد، توانسته در مباحث مربوط به اقلیت‌های قومی و مذهبی نیز وارد شود. از سوی دیگر، گرچه در هر جامعه‌ای دسترسی و تأمین امکانات و منابع پایه و ضروری مدنظر سیاست‌گذاران و مجریان کلان بوده و هست، اما احساس رضایت افراد و گروه‌های مختلف جامعه نسبت به شرایط، برخورداری‌ها و موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی‌شان، به معیارهای عینی و ذهنی متفاوتی بستگی دارد که بر اساس شاخص‌ها و ابعاد مختلفی مانند میزان و نحوه ارتباطات اجتماعی، شرایط مادی و مقایسه وضعیت خود با دیگران متعلق به گروه اکثریت، ارزیابی می‌شود.

بیگانگی و احساس طرد مفاهیمی هستند که در برخی افراد با رشد آگاهی، در بعضی بر اساس شرایط و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف پیش می‌آید: کلیه ویژگی‌های شخصی مانند جنسیت، زیبایی، هوش و استعدادها، ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی ... دیگر از جمله مذهب، ملیت، قومیت و نژاد، زبان و ... قبل از آن که افراد درک انتخابی داشته باشند، به آن‌ها تعلق گرفته‌اند (Butol, 2013). هر تعلق این‌چنینی جبر و در صورت

نارضایتی، بیگانگی و درنهایت احساس طرد را به دنبال دارد.

بر این اساس، سؤال اصلی مقاله حاضر این است که آیا و تا چه حد، هویت قومی مذهبی گروه‌های اقلیت، از طریق ساخت موقعیت خاص و ایجاد فاصله اجتماعی احتمالی بین آنان و اکثریت مسلط در جامعه دارای تنوع قومی مذهبی ایران، به ایجاد یا افزایش احساس طردشدگی در میان دانشجویان شیعه و سنی می‌انجامد؟

اهمیت پرداختن به مسأله طرد اجتماعی اقلیت‌های مذهبی در جامعه ما به‌ویژه در میان نسل‌های جوان و تحصیل کرده آنان بدین خاطر است که علی‌رغم تلاش آنان برای استفاده از فرصت‌های در دسترس، رشد قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی برتر، به نظر نمی‌رسد تحصیل‌کردگان دانشگاهی متعلق به اقلیت‌های مذهبی، من‌جمله مذهب سنی، نگرش و ارزیابی مثبتی از موقعیت فعلی و آتی خود در مقایسه با هم‌تایانشان در جمعیت اکثریت داشته باشند. هرچند احساس طرد در تمام گروه‌های جمعیتی جامعه مسأله‌ای جدی و قابل بررسی است، اما در جمعیت دانشجویان که از لحاظ حیثیت، موقعیت و پرستیژ بالای فکری و اجتماعی فعلی و آینده با بقیه همگنان خود متفاوت‌اند، با اهمیت‌تر جلوه می‌کند. پرستیژ بالای اجتماعی و فکری دانشجویان سبب می‌شود جامعه انتظار داشته باشد رفتارهای انحرافی در بین آنان چندان دیده نشود. با وجود این، مواردی از گسترش انحرافات اجتماعی در بین این گروه دیده می‌شود که نگرانی‌هایی را در پی داشته است (Aliverdina, Ebrahimi, Salehnejad, 2011). چراکه در این دوره از زندگی به دلایل روان‌شناختی و فردی و مختصات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه و حاشیه بودن جوانان، احتمالاً شکل‌گیری گرایش‌های کجروانه بیشتر می‌شود (Ayar, Khani, Khezri, 2010). شیوع روزافزون رفتارهای انحرافی برابر است با هدر رفتن پتانسیل‌های خلاق و سازنده جامعه و عوارض بسیار ناخوشایندی به همراه دارد که جبران آن، هزینه‌های فراوانی می‌طلبد. همه کسانی که به نحوی با دانشجویان سروکار دارند، لزوم آشنایی با مسائل و مشکلاتی که در واقع شالوده بحران‌های رفتاری به‌ویژه رفتارهای اجتماعی آنان است، برایشان امری ضروری است و هرگونه

ناآشنایی با این مسائل ممکن است سبب تشدید واکنش‌های زمینه‌ساز در بروز رفتارهای غیرعادی خطرناکی شود که می‌تواند دامن‌گیر جامعه هم شود (Aliverdinia, Ebrahimi, Salehnejad, 2011).

درواقع وقتی فرد از اقلیت قومی و درعین‌حال، عضو اقلیت مذهبی و طبقه فرودستان باشد، تعامل این عوامل، طردهای مضاعف و تشدید شده عینی و بالتبع، احساس شدید مطرودیت و در حاشیه بودن را برای آن‌ها رقم می‌زند، به طوری که حتی موقعیت برابر دانشجویی و استفاده از فرصت‌های برابر آموزشی با اکثریت قومی و مذهبی نیز، نمی‌تواند این حس فروتری و جاماندگی و درجه «دوم» بودن را در آن‌ها از بین ببرد و مسأله مهم اصلی نیز، همین است؛ به عبارت دیگر، کنش و تأثیر متقابل طبقه، پایگاه و قدرت سیاسی سبب بروز انحصار گروهی شده و این امر موجبات جاودانه شدن نابرابری را فراهم می‌کند و از این طریق احساس طرد اجتماعی پدید می‌آید.

پیشینه تحقیق

گروه قومی^۱ گروهی از انسان‌هاست که اعضای آن دارای ویژگی‌های نیایی و اصل و نسبی یکسان یا مشترک هستند. هم‌چنین گروه‌های قومی اغلب دارای مشترکات فرهنگی، زبانی، رفتاری و مذهبی هستند که ممکن است به آبا و اجدادشان برگردد یا بر اساس عوامل دیگری به وجود آمده باشد؛ بنابراین یک گروه قومی می‌تواند یک جامعه فرهنگی نیز باشد (Ashuri, 2018). با توجه به این تعریف و وجود مذهب سنی در اقوام مختلف ایرانی، همچنین محدود بودن تحقیقاتی در خصوص طرد و یا احساس طرد اجتماعی بر روی اقلیت‌های مذهبی در ایران و سایر کشورها، در پیشینه تجربی پژوهش از تحقیقاتی که بر روی اقوام انجام شده، استفاده گردیده است. همان‌طور که می‌دانیم قومیت و مذهب در جامعه ایران به یکدیگر نزدیک بوده و تعامل آن‌ها با یکدیگر می‌تواند تغییرات اساسی را در میزان احساس طرد و یا تعلق خاطر در افراد یک جامعه ایجاد

1. Ethnic Group

نماید. به گونه‌ای که در برخی تحقیقات انجام شده نیز به چشم می‌خورد که اگرچه هویت مذهبی و یا قومی به تنهایی احساس طرد را در افراد ایجاد خواهند کرد، تعامل این دو با یکدیگر افزایش آن را به دنبال داشته و می‌تواند باقوت بیشتری بروز کند. به‌طور مثال در پژوهشی با عنوان قومیت، مذهب و فرصت‌های شغلی که توسط سوما محمدی انجام شده است این نکته به چشم می‌خورد. مذهب و قومیت با میزان دستیابی به فرصت‌های شغلی تعامل دارد. این بدان معنا است که طبق نظریه تلاقی، هم‌پوشانی هم‌زمان حوزه‌های مختلف موجب نابرابری می‌شوند و افراد اهل تسنن نسبت به افراد غیر اهل تشیع به‌صورت نابرابری به فرصت‌های شغلی دست پیدا می‌کنند (Soma Mohamadi, 2017).

از میان پژوهش‌های داخلی در زمینه طرد اجتماعی موارد محدودی وجود دارد که با توجه به هدف پژوهش مبنی بر تبیین رابطه هویت مذهبی با احساس طرد اجتماعی، با این تحقیق ارتباط نزدیکی دارند. محمودزاده رضایی در تحقیقی با عنوان «زمینه‌های واگرایی فرهنگی و خشونت سیاسی» به روش کیفی و با استفاده از روش نظریه مبنایی به بررسی زمینه‌های واگرایی فرهنگی و خشونت سیاسی در میان اهالی سنی مذهب بلوچستان، کردستان و منطقه ترکمن صحرای ایران پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اقلیت سنی مذهب ایرانی در موقعیت واگرایی قرار گرفته‌اند که بنا به خوانش ایشان از یک‌طرف با احساس طردشدگی از جانب دولت مرکزی همراه است و از طرف دیگر با طرد کردن دولت مرکزی و احساس بی‌اعتمادی بدان هم‌زمان می‌گردد. این موقعیت که پدیده مرکزی تحقیق را تشکیل می‌دهد مشتمل بر چهارگونه واگرایی مذهبی (اختلاف میان تشیع - تسنن)، واگرایی قومی (تفوق قومیت بر ملیت)، واگرایی سیاسی (احساس طردشدگی و بی‌اعتمادی) و واگرایی اجتماعی (احساس ناامنی) است. (Sobhan Mahmoudzadeh Rezaei, 2011).

عبداللهی و قادرزاده در سال ۱۳۸۳ در تحقیقی با عنوان «فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن در ایران» به بررسی میزان فاصله اجتماعی ساکنان شهر بانه از اقوام ایرانی و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. در اجرای این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است. یافته‌های

حاصل از این تحقیق ناکافی بودن رویکردهای مبتنی بر جامعه‌شناسی خرد را در مطالعه و بررسی فاصله قومی در ایران نشان می‌دهد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مسأله فاصله اجتماعی بین اقوام در ایران وجود دارد و لذا اهمیت و ضرورت اتخاذ و تدوین سیاست قومی مناسب در ایران در جهت کاهش این فاصله‌ها مورد توجه و تأکید خاص گرفته است.

در زمینه طرد اجتماعی، حمیدیان، زاهدی، ملکی و انصاری، در سال ۱۳۹۴ در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی رابطه نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی و طرد اجتماعی گروه‌ها در کلان‌شهر اصفهان» به سنجش و تبیین وضعیت طرد/ادغام گروه‌های هویتی قومی کلان‌شهر اصفهان در پیوند با دسترسی به فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی و در مقایسه با ساکنان بومی، پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که همه گروه‌ها دسترسی یکسانی به منابع ندارند و برخی گروه‌ها (ترک‌ها، کردها، اعراب و افغانه) تبعیض اجتماعی بیشتر و طرد اجتماعی به‌مراتب شدیدتری را تجربه می‌کنند و بین برابری اجتماعی، دسترسی به منابع و ادغام اجتماعی رابطه مثبتی وجود دارد.

اکبرنیا و قاضی‌نژاد در سال ۱۳۹۶ در پژوهشی با عنوان «دین‌داری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی»، به بررسی رابطه دین‌داری با مدارای اجتماعی و فاصله اجتماعی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که بین میزان دین‌داری و فاصله اجتماعی مسلمانان و مسیحیان، رابطه مستقیم و میان مدارای اجتماعی و فاصله اجتماعی، رابطه معکوس برقرار است. همچنین بر اساس آزمون رگرسیون، متغیر واسطه‌ای یعنی مدارای اجتماعی بیشترین تأثیر را بر فاصله اجتماعی دارد و پس از آن دین‌داری و نوع دین، متغیرهای تأثیرگذار بر فاصله اجتماعی هستند.

از میان پژوهش‌های خارجی نیز می‌توان به سه مورد اشاره کرد که با تحقیق حاضر ارتباط دارند. بلنی^۱ و آمبرسیو^۲ (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان «محرومیت، طرد اجتماعی و رفاه ذهنی» به این نکته اشاره داشته‌اند که محرومیت و طرد اجتماعی به مفهوم کلیدی در

1. Bellani
2. Ambrosio

بحث‌های سیاسی اروپا تبدیل شده و رضایت از زندگی و رفاه ذهنی را تحت تأثیر قرار داده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که رضایت از زندگی نه تنها با کاهش درآمد کاهش می‌یابد، بلکه با افزایش طرد هم کاهش می‌یابد.

کابر^۱ (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «الگوهای طرد اجتماعی در رابطه با فرهنگ و قومیت» نشان داده است که در برخی از فرهنگ‌های آسیایی اشکال مهمی از محرومیت‌ها وجود دارد که تماماً از طریق رویکردهای اقتصادی درک نمی‌شوند. این موارد شامل جنبه‌هایی است که به هویت مربوط‌اند و تحقیر فرهنگی افراد را برحسب هویتی که به آن‌ها نسبت داده می‌شود، نشان می‌دهد. این امر ممکن است به عضویت در گروه‌های خاص (نژاد، قومیت و اقلیت مذهبی بودن) مربوط باشد که وجوه مشترک خود را می‌شناسند و دارای باورها و ارزش‌های مشابهی هستند.

رایت^۲ و استیکلی^۳ (۲۰۱۳) نیز در پژوهشی با عنوان «مفاهیم شمول اجتماعی، طرد و سلامت روانی: مروری بر ادبیات بین‌المللی» و باهدف تجزیه و تحلیل ادبیات مربوط به شمول اجتماعی و طرد اجتماعی در رابطه با سلامت روان به بررسی ۳۶ مقاله از انگلستان، کانادا، استرالیا و اسکانندیناوی با استفاده از روش تجربی و نظری در مورد ادبیات شمول اجتماعی، طرد و سلامت روان پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهند که بین طرد، نابرابری و بی‌عدالتی رابطه وجود دارد و ارتباط این مفاهیم با سیاست سلامت روان فعلی و آینده مورد سؤال است.

در این پژوهش، قصد اصلی محقق بررسی رابطه هویت مذهبی با احساس طرد اجتماعی با تأکید بر فاصله اجتماعی و موقعیت اجتماعی در میان اقلیت‌های مذهبی بوده است. به همین دلیل نیازمند مطالعه و جمع‌آوری تحقیقاتی بودیم که به مسأله طرد اجتماعی پرداخته باشند. پس از جست‌وجو متأسفانه با تحقیقات زیادی در این حوزه مواجه شدیم که هر یک به‌نوعی ابعاد مختلفی از طرد و احساس طرد اجتماعی را سنجش کرده‌اند اما

1. Kabeer
2. Wright
3. Stickley

تحقیقاتی که در حوزه احساس طرد اقلیت‌های مذهبی صورت گرفته باشند، وجود نداشتند. در این پژوهش، محقق سعی دارد تا رابطه مذهب و قومیت را با فاصله اجتماعی و موقعیت اجتماعی و همچنین رابطه آن‌ها را با احساس طرد اجتماعی در میان اقلیت مذهبی اهل سنت بررسی کند. تفاوت این مطالعه با مطالعاتی که تاکنون صورت گرفته است اولاً در عوامل تأثیرگذار بر احساس طرد اجتماعی و دوماً نمونه مورد مطالعه یعنی اقلیت مذهبی اهل سنت است؛ به عبارت دیگر، در هیچ‌یک از تحقیقات انجام شده شاخص‌های هویت مذهبی و موقعیت اجتماعی به‌عنوان عوامل مؤثر بر احساس طرد اجتماعی اقلیت‌های مذهبی بررسی نشده‌اند، همچنین تاکنون تحقیقی درباره احساس طرد در میان اقلیت‌های مذهبی اهل سنت انجام نشده است که در این تحقیق این موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مبانی نظری

چارچوب نظری تحقیق، راهنمای اصلی در ارائه مدل و فرضیات است؛ بنابراین، پژوهشگران بر اساس ادبیات نظری و تجربی، نظریه‌ها و پژوهش‌های مرتبط با موضوع را که قدرت بیشتری در تبیین مسأله پژوهش دارند، انتخاب می‌کنند. با توجه به اینکه در این تحقیق، مسأله پژوهش بررسی رابطه هویت مذهبی با احساس طرد اجتماعی اقلیت‌های مذهبی بوده، نظریه‌های حوزه طرد اجتماعی، مورد توجه است و با استفاده از برآیند دیدگاه‌های مذکور و تحقیقات پژوهشگران مربوط، به بررسی رابطه میان هویت مذهبی با احساس طرد اجتماعی پرداخته شده است.

رویکردها و نظریه‌های زیادی در خصوص طرد اجتماعی وجود دارند که در این میان به برخی از آن‌ها از جمله رویکردهای همبستگی، تخصصی‌سازی و انحصاری و نیز نظریات آنتونی گیدنز، جیرون، مارتین زیبرا و بوردیو به‌طور مختصر اشاره شده است.

در زمینه طرد اجتماعی، سه رویکرد و پارادایم وجود دارد که عبارت‌اند از پارادایم همبستگی که با توجه به این پارادایم، اساس طرد اجتماعی تفاوت و مغایرت ارزش‌ها و هنجارهای فرد و گروه‌ها از فرهنگ مسلط است و زمانی که این تفاوت‌ها در زمینه فرهنگ مسلط قابل‌اغماض نباشد مبنایی برای سلب صلاحیت اجتماعی افراد و گروه‌ها فراهم

می‌آورد و روابط بین افراد و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند را نقض و قطع می‌نماید (غفاری و تاج‌الدین: ۱۳۸۴). در واقع تفاوت ارزش‌ها و هنجارهای فرد و گروه‌ها از فرهنگ مسلط باعث گسیختگی روابط اجتماعی بین فرد و جامعه شده و احساس طرد اجتماعی را در میان برخی گروه‌ها در جامعه ایجاد می‌نماید. همچنین طبق رویکرد تخصصی‌سازی طرد به صورت نتیجه‌ای از تخصص‌گرایی است که زمانی پدید می‌آید که جامعه دچار تمایز ناکافی و ناپسند قلمروهای اجتماعی است و تنظیمات و مقررات نامناسبی برای یک عرصه معین به کار می‌بندد یا موانعی را برای حرکت و مبادله آزاد در یک عرصه یا میان عرصه‌های مختلف اعمال می‌کند. به بیان دیگر تخصص‌گرایی مرزبندی‌های گروهی را ایجاد می‌کند که مشارکت آزادانه را از افراد سلب نموده از این رو در آن‌ها احساس طرد اجتماعی را به وجود می‌آورد (Silver: 1994). مطابق با این رویکرد دو نوع طرد وجود دارد. یکی طرد تحمیلی به واسطه عدم قابلیت و شکست در فعالیت‌های بازار و سایر عرصه‌های حیات اجتماعی و دیگری طرد ارادی که فرد از روی اختیار با جامعه قطع رابطه می‌نماید (Ghaffari & Tajuddin). رویکرد سوم نیز رویکرد انحصاری است که مطابق با آن طرد به عنوان نتیجه تشکیل انحصار گروهی و ناشی از اثر متقابل طبقه، پایگاه و قدرت سیاسی در نظر گرفته می‌شود و در خدمت منافع مشمولین است. انحصار اجتماعی هنگامی به دست می‌آید که سازمان‌ها و امتیازات فرهنگی نه تنها مرزبندی‌هایی را ایجاد کنند که از ورود دیگران علی‌رغم خواست خودشان جلوگیری می‌کند، بلکه همچنین نابرابری را همیشگی و جاودانه می‌سازند. آن‌ها درون موجودیت‌های اجتماعی محدود، از انحصار منابع کم‌یاب بهره‌مند می‌شوند. انحصار، حدود مرزی از منافع مشترک بین خودی‌هایی که در غیر این صورت نابرابر بودند، ایجاد می‌کند؛ بنابراین مطروودین هم‌زمان بیگانه و تحت سلطه‌اند. مرزبندی‌های ویژه‌ای از طرد ممکن است درون یا بین دولت-ملت‌ها، مکان‌های جغرافیایی، شرکت‌ها و مؤسسات یا گروه‌های اجتماعی ترسیم گردد. هم‌پوشانی یا انطباق تمایزات گروهی با نابرابری محور اصلی این رویکرد است. طبق این رویکرد، از طریق حقوق شهروندی، گسترش عضویت برابر و مشارکت کامل بیگانگان (غیرخودی‌ها) در

اجتماع، می‌توان با طرد مبارزه کرد (Silver: 1994)؛ به عبارت دیگر، کنش و تأثیر متقابل طبقه، پایگاه و قدرت سیاسی سبب بروز انحصار گروهی شده و این امر موجبات جاودانه شدن نابرابری را فراهم می‌کند و از این طریق احساس طرد اجتماعی پدید می‌آید.

در میان نظریه‌پردازان معاصر نیز، گیدنز بر این نظر است که طرد اجتماعی حاکی از راه و روش‌هایی است که طی آن‌ها افراد از مشارکت کامل در جامعه بزرگ‌تر محروم می‌شوند. مفهوم طرد اجتماعی توجه ما را به طیف وسیع عواملی جلب می‌کند که افراد و گروه‌ها از داشتن فرصت‌هایی که پیش روی اکثریت جمعیت است باز می‌دارد (Giddens, 2007). به بیان دیگر، نابرابری در توزیع فرصت‌ها محرومیت از مشارکت کامل در جامعه را در پی دارد و این مسأله سبب ایجاد احساس طرد اجتماعی در برخی گروه‌ها می‌شود.

همچنین از دیدگاه جیرون و همکاران تحریک روزانه به عنوان اشکال مختلف طرد اجتماعی وجود دارد و نابرابری (اجتماعی، منابع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) با محدود کردن این تحریک روزانه به طرد اجتماعی منجر می‌شود؛ به عبارت دیگر از نظر جیرون نابرابری اجتماعی، منابع سیاسی و اقتصادی فرهنگی در میان اعضای جامعه باعث محدودیت در تحریک روزانه شده و همین امر احساس طرد اجتماعی را در برخی از گروه‌ها ایجاد می‌کند. مارتین زیبرا نیز معتقد است که هنجارها با سطوح مختلفی برای دستیابی وجود دارد که در یک سوی آن‌ها افرادی هستند فاقد صلاحیت شرکت جستن در الگویی که به هنجار، نیک، زیبا، مناسب، باصلاحیت و کارا باشد، به نظر می‌رسد در عمل تمام قلمروهای جامعه مدرن تابع و تسلیم این سطوح با محدودیت‌های به قاعده و بهنجاری هستند که متقابلاً به شکست هنجاری می‌انجامد؛ بنابراین به نظر می‌رسد شکست (در دستیابی) به هنجارها به وجود آورنده طرد باشد (Zebra. 2006)؛ به عبارت دیگر، عدم صلاحیت برای شرکت جستن در الگویی بهنجار و کارا موجب شکست در دستیابی به هنجارهای جامعه مدرن شده و احساس طرد را در برخی گروه‌ها ایجاد می‌کند. همچنین بنا به نظر بوردیو سازوکارهای طردآمیز و پنهانی سلطه ساختارها، نهادها و روابط اجتماعی تفاوت‌ها و به بیان دقیق‌تر امتیازات اجتماعی را به نفع گروه‌های فرادست باز تولید می‌کنند

و فرودستان را از دستیابی به موقعیت‌ها و فرصت‌های بهتر محروم می‌سازد (Firoozabadi and Sadeghi, 2013).

در جمع‌بندی نتایج حاصل از مرور دیدگاه‌ها و منابع تجربی موجود در ارتباط با احساس طرد اجتماعی می‌توان گفت: احساس طرد امری ذهنی که شکل‌گیری آن وابسته به عواملی نظیر محرومیت و محدودیت در دسترسی به منابع و امکانات و فرصت‌های موجود و در دسترس اکثریت و نیز محدودیت در تحرک روزانه و ... وابسته است؛ بنابراین احساس طرد، حالتی است که فرد نسبت به زمینه‌های اجتماعی خود بی‌تفاوت است و از ارزش‌های گروهی جدا بوده و خود را با آنچه از نظر گروه بااهمیت است، همسو نمی‌داند. با توجه به وضعیت رو به گذار جامعه ایران، گروه‌های مذهبی و تنوعات فرهنگی موجود در آن ممکن است که با روند تغییرات دچار بحران و آسیب‌های مختلفی به لحاظ اجتماعی گردند که به تضعیف تعلق و همبستگی میان آنان با گروه اکثریت منجر شود؛ بنابراین بر اساس تغییرات جامعه امروزی، توجه به بحران‌های ایجادشده در سطوح فردی و اجتماعی ضروری می‌نماید. چراکه طبق دیدگاه گیدنز «این عاملیت و ساختار است که موجب عملکرد اجتماعی شده و این دو از هم جدا نیستند و کنش افراد، ساختار را و ساختار، کنش را شکل می‌دهد» (Ritzer, 1988). به لحاظ نظری آنچه در پژوهش حاضر مدنظر است ترکیبی از نظریات مطرح شده است، زیرا هیچ‌یک از آن‌ها به تنهایی نمی‌تواند مسأله موردبررسی را به‌درستی تبیین کند. لذا مجموعه‌ای از نظریه‌های مذکور این وظیفه را بر عهده خواهند داشت.

فرضیات تحقیق

- ۱- هویت مذهبی دانشجویان با احساس طرد اجتماعی آنان رابطه دارد.
- ۲- هویت مذهبی دانشجویان با فاصله اجتماعی آنان رابطه دارد.
- ۳- فاصله اجتماعی دانشجویان با احساس طرد اجتماعی آنان رابطه دارد.

روش تحقیق

مطالعه حاضر از نوع پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق شامل دانشجویان شیعه و سنی تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم اجتماعی سه دانشگاه تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبائی بوده است. در تعیین حجم نمونه، ابتدا با توجه به تعداد دانشجویان سه دانشگاه، با استفاده از جدول نمونه‌گیری دواس (Devas, 2003) به تعیین حجم نمونه پرداخته شد که تعداد افراد جامعه آماری ۱۱۱۰ نفر، حجم نمونه ۲۷۹ نفر تعیین شد و پس از آن با استفاده از شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای متناسب با حجم، تعداد نمونه مورد نیاز در هر دانشکده به دست آمد (جدول شماره یک). در این مطالعه ابتدا سؤالات در مرحله پیش‌آزمون توسط ۳۰ پاسخگو و همچنین در مرحله پس‌آزمون توسط ۲۷۹ پاسخگو مورد ارزیابی قرار گرفت که از این میان تعداد ۲۶۹ پرسشنامه کامل و بدون نقص استخراج شد.

جدول ۱. تعداد نمونه به تفکیک مقطع تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل

Table 1. Number of samples by degree and university of study

مقطع تحصیلی	کارشناسی ارشد	دکتری	جمع
تهران	51	38	89
شهید بهشتی	55	36	91
علامه طباطبائی	60	39	99
جمع کل	166	113	279

به دلیل اینکه آمار دقیقی در مورد تعداد دانشجویان سنی در دانشگاه‌های یادشده در اختیار محققان قرار نگرفت، از روش گلوله برفی برای دستیابی به دانشجویان سنی و از روش تصادفی ساده، برای انتخاب دانشجویان شیعه استفاده شد. در نهایت، نمونه منتخب شامل ۱۸۷ نفر دانشجوی شیعه و ۸۲ نفر دانشجوی سنی می‌باشد. برای بررسی روایی ابزار سنجش، از روش اعتبار صوری استفاده شد و پرسشنامه برای تأیید در اختیار اساتید قرار گرفت. سنجش پایایی برای متغیرهای فاصله اجتماعی (شامل میزان و نحوه روابط و فاصله

اجتماعی) و احساس طرد اجتماعی نیز با بهره‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ انجام شد که بر اساس آن پایایی گویه‌های مربوط به هویت مذهبی ۰/۸۴۰، فاصله اجتماعی ۰/۸۵۲ و احساس طرد اجتماعی ۰/۹۲۹ برآورد شد.

تعریف مفاهیم و متغیرهای تحقیق

مفاهیم صرفاً ابزارهایی هستند که کارکرد مختصر و سودمندی دارند: آن‌ها تخصیص انتزاعی مجموعه کاملی از رفتارها، نگرش‌ها و خصیصه‌هایی هستند که از نظر ما وجه اشتراکی دارند. مفاهیم در علم هیچ نوع موجودیت مستقل «خارجی» ندارند؛ آن‌ها معنای ثابتی ندارند. مفاهیم اصطلاحاتی‌اند که مردم به منظور ارتباط و کارایی خلق کرده‌اند. کار ما در تهیه معرف برای مفاهیم این نیست که معرفی بیابیم که با مفهومی که دارای معنای ثابتی است منطبق باشد. کار ما در وهله اول تعریف معنایی است که برای آن مفهوم در نظر گرفته‌ام و سپس پیدا کردن معرفی است برای آن مفهوم طبق معنای تعریف شده. تعاریف فی‌نفسه نه درست‌اند نه غلط: آن‌ها فقط کم‌وبیش سودمندند (Devas, 2003). در این قسمت به تعریف مفهومی و عملیاتی هر یک از متغیرهای وابسته، مستقل و واسط با ذکر ابعاد و مؤلفه‌های آن می‌پردازیم.

هویت مذهبی

به‌رغم اینکه هویت مذهبی با مذهب تفاوت دارد گاهی این دو مفهوم با یکدیگر اشتباه گرفته می‌شوند و ابهاماتی را در ذهن خوانندگان و پژوهشگران ایجاد می‌کنند؛ بنابراین، ارائه تعریفی از هویت مذهبی در این تحقیق لازم و ضروری است.

دورکیم مذهب را دستگاهی همبسته از باورها و اعمال مربوط به امور مقدس معرفی می‌کند. این باورها و اعمال همه کسانی را که پیرو آن‌ها هستند در یک اجتماع اخلاقی واحد متحد می‌کند (Shayanmehr, 1998). هویت دینی را می‌توان مجموعه‌ای شناختی، اعتقادی و روانی شامل ارزش‌ها، هنجارها، باورها، احساسات، نمادها، طرز تلقی‌ها و آگاهی‌های مختص به یک خود فردی - اجتماعی دانست که حول یک محور غایی

(مفهوم مقدس) سازمان یافته است و با اثرگذاری بر کنش‌های اجتماعی، از یک سو، سبب همبستگی و انسجام درون‌گروهی (درون‌دینی) در میان اعضای گروه (دینداران) می‌شود و از سوی دیگر موجبات تمایزات «برون‌گروهی» (برون‌دینی) را با دیگر افراد و گروه‌ها فراهم می‌آورد (Raufi, 2010)؛ بنابراین با توجه به تعریف بالا، متغیر هویت مذهبی در این مطالعه از دو بعد تعلق و تعهدی موردسنجش و بررسی قرار گرفته است.

بعد تاریخی - تعلق

بعد تاریخی را می‌توان آگاهی و دانش نسبت به پیشینه تاریخی و احساس تعلق خاطر و دلبستگی بدان دانست (Chitsaz Qomi, 2004). این بعد به آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی دین خود و احساس دلبستگی و به آن اهتمام به حفظ و زنده نگه داشتن آن دلالت دارد (Qadiri, 2004).

بعد فرهنگی - تعهد

تعهد از زمره واژه‌هایی است که تعاریف زیادی برای آن از دیدگاه‌های مختلف ارائه شده است. سالانسیک^۱ تعهد را عبارت از پیوند دادن فرد به اعمال و اقدامات فردی وی می‌داند. منظور کلی از این تعریف آن است که تعهد زمانی واقعیت می‌یابد که فرد نسبت به رفتار و اقدامات خود احساس مسئولیت و وابستگی نماید؛ به عبارت دیگر، در این مفهوم حرف زدن تنها کافی نیستو باید به دنبال آن، عمل همراه با مسئولیت باشد. پس به‌طور کلی می‌توان تعهد را احساس وفاداری داشتن هویت و احساس مسئولیت فردی تعریف نمود (Ahmadpour, Shaimi, 1999).

بنابراین می‌توان تعهد دینی را داشتن مسئولیت فردی نسبت به دین و فرایض آن دانست به طوری که فرد انجام فرایض دینی را بر خود لازم بداند.

بدین ترتیب با توجه به نظریه دورکیم در خصوص مذهب، برای تعریف عملیاتی

1.Salansik

هویت دینی، ابعاد دین‌داری شامل بعد فرهنگی (تعهدی) از قبیل (نوع مذهب، به مذهب خود افتخار کردن، افتخار به پیروی از مذهب خود) و بعد تاریخی (تعلقی) از قبیل (نگرش مثبت نسبت به حفظ میراث فرهنگی - مذهبی شیعیان/ اهل سنت داشتن، تحمل هر مصیبت برای حفظ و دفاع از مذهب، اهانت به مذهب سنی/ شیعه سبب رنجاندن آن‌ها شدن، احساس مسئولیت نسبت به میراث فرهنگ مذهبی خود داشتن) در نظر گرفته شده است.

احساس طرد اجتماعی (طرد ذهنی)

احساس مطرود بودن یا محرومیت از حقوق و امتیازات و ارزیابی گروه‌های مختلف اجتماعی از موقعیت خود در یک جامعه - به‌عنوان بازتاب شرایط عینی که در آن واقع‌اند و نیز انتظارات و تصوراتی که از وضعیت مطلوب در ذهن دارند - جنبه مهمی از مفهوم طرد اجتماعی است. نظر به اهمیت اساسی این جنبه از طرد اجتماعی، در پژوهش حاضر در قالب چند سؤال، اقدام به سنجش میزان طرد ذهنی در میان اقلیت‌های مذهبی شده است. باوجود تعاریف بسیار از طرد اجتماعی، فلوتن (۲۰۰۶) به نکته‌ای مشترک در تمامی آن‌ها اشاره می‌کند اینکه رابطه بین فرد و دیگران، در تعریف طرد اجتماعی، امری بنیادی است. از این‌رو، طرد اجتماعی «محرومیتی طولانی‌مدت است که به جدایی از جریان اصلی جامعه می‌انجامد» (Room, 1994). بر طبق تعریف اتحادیه اروپا، طرد اجتماعی هنگامی رخ می‌دهد که افراد به دلیل فقدان حقوق مدنی، حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی قادر به مشارکت کامل در جامعه نباشند. بر اساس این تعریف، طرد نتیجه ترکیبی از مسائل به‌هم‌پیوسته نظیر بیکاری، فقر مهارت‌ها، مسکن محقر، درآمد پایین، بهداشت نامناسب، خانواده گسسته است (Commission European, 2013) بورچارت و همکارانش طرد را با در نظر گرفتن زمینه و شرایط آن تعریف می‌کنند؛ بنابراین، فردی مطرود است که این شرایط را داشته باشد: ۱. به لحاظ جغرافیایی مقیم در یک جامعه باشد، ۲. در فعالیت‌های متعارف شهروندان آن جامعه حضور نداشته باشد (Burchardt et al. 2002). سازمان بین‌المللی کار طرد اجتماعی را حالتی از فقر برمی‌شمرد که باعث ناتوانی افراد در دستیابی به شرایط زیستی مناسب برای بهره‌مندی از نیازهای ضروری

زندگی (مانند غذا، تحصیلات، سلامتی بهداشت) و مشارکت در توسعه جامعه‌ای می‌شود که در آن زندگی می‌کنند (Blakemore, 2006). آمارتیا سن^۱ طرد اجتماعی را شکست در سطوحی از قابلیت در اشکال گوناگون کارکردی می‌داند (Ghafari & Tajuddin 2004). همچنین از دیدگاه او طرد اجتماعی به معنای ناتوانی در مشارکت یا ناتوانی عملکردی است (Ebrahimi, 2012).

به نظر اوندرو^۲ با ابعاد طرد از منابع مادی، روابط اجتماعی، فعالیت‌های مدنی، خدمات اساسی و روابط همسایگی فهم می‌شود (Ghaffari & Tajuddin, 2004). به‌زعم گالاباز^۳ طرد اجتماعی با ناتوانی گروه‌ها یا افرادی خاص برای مشارکت کامل اجتماعی مرتبط است که به دلیل نابرابری‌های ساختاری، دسترسی آن‌ها به منابع ارزشمند اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کاهش یافته است. این نابرابری‌ها در ارتباط با نژاد، طبقه، جنسیت، ناتوانی، مهاجرت، مذهب، قومیت اجرا می‌شود (Galabuz, 2002)؛ بنابراین در این مقاله احساس طرد اجتماعی از بعد ذهنی و بر اساس مؤلفه‌های احساس طرد از منابع فرهنگی، احساس طرد از منابع سیاسی، احساس طرد از منابع مادی و احساس طرد از منابع اجتماعی سنجش شده است.

فاصله اجتماعی

به احساسی اطلاق می‌شود که ممکن است شهروندان علی‌رغم قرابت و مجاورت مکانی و جغرافیایی ممکن است نسبت به هم تعلق خاطر نداشته احساس دوری نمایند. بوگاردوس جامعه‌شناس پیش از ۱۹۳۰ و در ضمن مطالعه مناسب بین اشخاص نشان می‌دهد که در استعداد افراد برای پیوستن به یکدیگر سلسله مراتبی وجود دارد که از خویشاوندان و بستگان شروع می‌شود پس از گذشتن از دوستان و آشنایان و همسایگان و همکاران و همشهریان به بیگانگان می‌رسد (Stötzel, 1989: 298 quoted by Akhlikpour 2010).

1. Sen Kumar Amartya
2. Evandrou
3. Galabuz

در بررسی فاصله اجتماعی پرسشنامه طراحی شده مبتنی بر الگوگیری از «طیف بوگاردوس» در قالب ۱۱ سؤال طراحی شده است که گویه‌های آن بر اساس ارزش‌های رایج در جامعه بومی‌سازی شده‌اند. مؤلفه‌های مورد بررسی مربوط به بعد روابط اجتماعی شامل انزوا، تنهایی، حمایت اجتماعی، ازدواج، سفر، هم‌محله‌ای شدن و دوستی و پذیرش به‌عنوان همشهری سنجش شده‌اند.

متغیرهای زمینه‌ای تحقیق

منظور از متغیرهای زمینه‌ای متغیرهایی است که اثر آن‌ها بر متغیر وابسته مورد نظر نیست اما می‌توانیم با مطالعه آن‌ها اطلاعات خود را کامل‌تر کنیم. این متغیرها در این مطالعه عبارت‌اند از سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و نوع شغل.

پرسش‌های پژوهش

سؤالات کلی

آیا میان هویت مذهبی با احساس طردشدگی اجتماعی در میان اقلیت‌های مذهبی دانشجویان رابطه وجود دارد؟

سؤالات جزئی

آیا میان هویت مذهبی دانشجویان با میزان فاصله اجتماعی موجود میان آن‌ها رابطه وجود دارد؟

آیا میان هویت مذهبی دانشجویان و موقعیت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد؟

• آیا میان فاصله اجتماعی دانشجویان با احساس طرد اجتماعی آنان رابطه وجود

دارد؟

یافته‌های تحقیق

یافته‌ها دستاوردهای مطالعه هستند که در مطالعات کمی، توزیع ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد گروه نمونه، یافته‌های توصیفی و تحلیلی متغیرهای مورد مطالعه را

شامل می‌شوند.

مقدار میانگین و انحراف معیار گروه سنی پاسخگویان شیعه به ترتیب ۳/۴۳۸ و ۲۷/۴ است و مینیمم سن آن‌ها ۲۴ و ماکزیمم سنشان ۳۵ ساله می‌باشد. همچنین مقدار میانگین و انحراف معیار گروه سنی پاسخگویان سنی به ترتیب ۲۷/۵۷ و ۳/۰۹۲، مینیمم سن آن‌ها ۲۴ و ماکزیمم آن ۳۵ ساله می‌باشد.

همچنین ۴۲/۴ درصد از دانشجویان شیعه مورد مطالعه زن و ۲۷/۱ درصد مرد و همچنین ۱۳/۴ درصد از دانشجویان سنی مورد مطالعه زن و ۱۷/۱ درصد مرد می‌باشند.

یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهند که ۲۱/۹ درصد از دانشجویان شیعه مورد مطالعه در تهران متولد شدند، ۴۰/۹ درصد در شهرستان و ۶/۷ درصد در روستا متولد شده‌اند که نشان می‌دهد بیشتر دانشجویان شیعه مورد مطالعه متولد شهرستان می‌باشند. همچنین ۱/۹ درصد از دانشجویان سنی مورد مطالعه در تهران متولد شدند، ۲۰/۸ درصد در شهرستان و ۷/۸ درصد در روستا متولد شده‌اند که نشان می‌دهد بیشتر دانشجویان سنی مورد مطالعه متولد شهرستان می‌باشند.

یافته‌ها حاکی از آن است که ۲۴/۲ درصد از دانشجویان شیعه مورد مطالعه متأهل و ۴۵/۴ درصد مجرد هستند که با توجه به اطلاعات به دست آمده، بیشتر دانشجویان شیعه مورد مطالعه مجرد می‌باشند. همچنین ۷/۸ درصد از دانشجویان سنی مورد مطالعه متأهل و ۲۲/۷ درصد مجرد هستند که با توجه به اطلاعات به دست آمده، بیشتر دانشجویان سنی مورد مطالعه نیز مجرد می‌باشند.

همچنین ۴۰/۵ درصد از دانشجویان شیعه مورد مطالعه کارشناسی ارشد و ۲۹ درصد در سطح دکتری می‌باشند که نشان می‌دهد بیشتر دانشجویان شیعه مورد مطالعه در سطح کارشناسی ارشد می‌باشند. همچنین ۲۱/۲ درصد از دانشجویان سنی مورد مطالعه کارشناسی ارشد و ۹/۳ درصد در سطح دکتری می‌باشند که نشان می‌دهد بیشتر دانشجویان سنی مورد مطالعه نیز در سطح کارشناسی ارشد می‌باشند.

مقدار میانگین و انحراف معیار ترم تحصیلی پاسخگویان شیعه به ترتیب ۲/۲۵ و ۱/۵۳۶

است، مینیمم ترم تحصیلی آن‌ها ۱ و ماکزیمم آن ۵ ساله می‌باشد. مقدار میانگین و انحراف معیار ترم تحصیلی پاسخگویان سنی به ترتیب ۲/۲۰ و ۱/۳۹۲ است، مینیمم ترم تحصیلی آن‌ها ۱ و ماکزیمم آن ۵ ساله می‌باشد.

۲۱/۲ درصد از دانشجویان شیعه مورد مطالعه دانشجوی دانشگاه تهران ۲۳/۴ درصد دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی و ۲۴/۹ درصد دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی می‌باشند. همچنین ۱۰ درصد از دانشجویان سنی مورد مطالعه دانشجوی دانشگاه تهران، ۸/۹ درصد دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی و ۱۱/۵ درصد دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی می‌باشند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که ۱/۳ درصد از همسران پاسخگویان شیعه متأهل مورد مطالعه بی‌سواد، ۱۸/۶ درصد تحصیلات دیپلم، ۲۰/۹ درصد تحصیلات فوق‌دیپلم، ۳۳/۷ درصد تحصیلات لیسانس، ۱/۳ درصد تحصیلات فوق‌لیسانس دارند و ۱۲۳ نفر از پاسخگویانی شیعه‌ای که به این سؤال پاسخ نداده‌اند، مجرد می‌باشند؛ و همچنین ۴/۷ درصد از همسران پاسخگویان سنی متأهل مورد مطالعه تحصیلات دیپلم، ۱۸،۶ درصد تحصیلات لیسانس، ۱/۳ درصد تحصیلات فوق‌لیسانس دارند و ۶۱ نفر از پاسخگویان سنی‌ای که به این سؤال پاسخ نداده‌اند مجرد می‌باشند.

۱۴/۲ درصد از پدران پاسخگویان مجرد شیعه مورد مطالعه بی‌سواد، ۲۶/۸ درصد تحصیلات زیر دیپلم، ۲۲/۴ درصد تحصیلات دیپلم و ۳/۳ درصد تحصیلات فوق‌دیپلم و ۶۶ نفر پاسخگویان شیعه متأهل می‌باشند که به این سؤال پاسخ نداده‌اند. همچنین ۷/۱ درصد از پدران پاسخگویان مجرد سنی مورد مطالعه بی‌سواد، ۱۵/۳ درصد تحصیلات زیر دیپلم، ۹/۳ درصد تحصیلات دیپلم و ۱/۶ درصد تحصیلات فوق‌دیپلم و ۲۱ نفر پاسخگویان سنی متأهل می‌باشند که به این سؤال پاسخ نداده‌اند.

در ضمن ۱۱/۵ درصد از مادران پاسخگویان مجرد شیعه مورد مطالعه بی‌سواد، ۴۴/۳ درصد تحصیلات زیر دیپلم، ۶/۰ درصد تحصیلات دیپلم و ۴/۹ درصد تحصیلات فوق‌دیپلم داشته و ۶۶ نفر از این پاسخگویان متأهل می‌باشند که به این سؤال پاسخ نداده‌اند. همچنین ۴/۹ درصد از مادران پاسخگویان مجرد سنی مورد مطالعه بی‌سواد، ۲۴/۰ درصد

تحصیلات زیر دیپلم، ۴/۴ درصد تحصیلات دیپلم داشته و ۲۱ نفر از این پاسخگویان متأهل می‌باشند که به این سؤال پاسخ نداده‌اند.

با توجه به یافته‌های پژوهش، ۳۵/۳ درصد از دانشجویان شیعه مورد مطالعه فارس، ۳۰/۵ درصد کرد، ۹/۶ درصد لر، ۷/۰ درصد ترک، ۳/۲ درصد بلوچ و ۱۴/۴ درصد از قومیت‌های دیگر بوده، همچنین ۳۰/۵ درصد از دانشجویان سنی مورد مطالعه فارس، ۳۲/۹ درصد کرد، ۱۱/۰ درصد ترک، ۱۷/۱ درصد بلوچ و ۸/۵ درصد از قومیت‌های دیگر می‌باشند.

یافته‌ها حاکی از آن است که ۶۹/۵ درصد از افراد مورد مطالعه در گروه اکثریت یعنی شیعه و ۳۰/۵ درصد در گروه اقلیت یعنی سنی قرار دارند.

همچنین ۴۰/۱ درصد از دانشجویان شیعه مورد مطالعه غیر شاغل و ۲۹/۴ درصد شاغل می‌باشند. مشاهده می‌شود ۲۱/۹ درصد از دانشجویان سنی مورد مطالعه غیر شاغل و ۸/۶ درصد شاغل می‌باشند.

همچنین ۶/۴ درصد از دانشجویان شیعه شاغل مورد مطالعه شغل پایین‌رتبه، ۲۱/۸ درصد شغل با مرتبه متوسط، ۴۶/۲ درصد شغل بلندمرتبه دارند و ۱۲۹ نفر از دانشجویان شیعه مورد مطالعه به این سؤال پاسخ نداده‌اند که ۱۰۸ نفر از این افراد غیر شاغل می‌باشند. همچنین ۲/۶ درصد از دانشجویان سنی شاغل مورد مطالعه شغل پایین‌رتبه، ۱۰/۳ درصد شغل با مرتبه متوسط و ۱۲/۸ درصد شغل بلندمرتبه دارند. ۶۲ نفر از دانشجویان سنی به این سؤال پاسخ نداده‌اند که ۵۹ نفر از این افراد غیر شاغل می‌باشند.

همچنین ۱۶/۴ درصد از دانشجویان شیعه شاغل مورد مطالعه به‌طور متوسط کمتر از دو میلیون تومان در ماه درآمد دارند، ۵۲/۱ درصد ۲۱۰۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰۰ تومان و ۶/۸ درصد به‌طور متوسط ۴۱۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰۰ تومان در ماه درآمد دارند و ۱۳۲ نفر به این سؤال پاسخ نداده‌اند که از این تعداد ۱۰۸ نفر شاغل نمی‌باشند. همچنین ۴/۱ درصد از دانشجویان سنی شاغل مورد مطالعه به‌طور متوسط کمتر از دو میلیون تومان در ماه درآمد دارند، ۱۳/۷ درصد ۲۱۰۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰۰ تومان و ۶/۸ درصد به‌طور متوسط ۴۱۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰۰

تومان در ماه درآمد دارند و ۶۴ نفر به این سؤال پاسخ نداده‌اند که از این تعداد ۵۹ نفر شاغل نمی‌باشند.

یافته‌ها حاکی از آن است که ۱۱/۸ درصد از همسران پاسخگویان شیعه متأهل مورد مطالعه شغل پایین رتبه دارند، ۵۱/۳ درصد شغل با مرتبه متوسط و ۱۰/۵ درصد شغل بلندمرتبه دارند و ۱۳۱ نفر از پاسخگویان شیعه مورد مطالعه به این سؤال پاسخ نداده‌اند که از این تعداد ۱۲۲ نفر مجرد می‌باشند. همچنین ۵/۳ درصد از همسران پاسخگویان سنی متأهل مورد مطالعه شغل پایین رتبه دارند، ۱۴/۵ درصد شغل با مرتبه متوسط و ۶/۶ درصد شغل بلندمرتبه دارند و ۶۲ نفر از پاسخگویان سنی مورد مطالعه به این سؤال پاسخ نداده‌اند که از این تعداد ۶۱ نفر مجرد می‌باشند.

۴۵/۴ درصد از پدران پاسخگویان شیعه مجرد مورد مطالعه شغل پایین رتبه دارند، ۲۰/۳ درصد شغل با مرتبه متوسط و ۴/۳ درصد از پدران این افراد شغل بلندمرتبه دارند و ۵۶ نفر از این افراد به این سؤال پاسخ نداده‌اند که متأهل می‌باشند. همچنین ۵۳/۷ درصد از پدران پاسخگویان سنی مجرد مورد مطالعه شغل پایین رتبه دارند، ۱۸/۳ درصد شغل با مرتبه متوسط و ۳/۷ درصد از پدران این افراد شغل بلندمرتبه دارند و ۲۰ نفر از این افراد به این سؤال پاسخ نداده‌اند که متأهل می‌باشند.

۴۷/۷ درصد از مادران پاسخگویان شیعه مجرد مورد مطالعه شغل پایین رتبه و ۱۵/۵ از مادران شغل با مرتبه متوسط دارند و همچنین ۱۳۴ نفر از افراد که مادران آن‌ها دارای شغل نبوده‌اند به این سؤال پاسخ نداده‌اند. همچنین ۲۹/۷ درصد از مادران پاسخگویان سنی مجرد مورد مطالعه شغل پایین رتبه و ۷/۱ از مادران شغل با مرتبه متوسط دارند و همچنین ۵۱ نفر از افراد که مادران آن‌ها شاغل نبوده‌اند به این سؤال پاسخ نداده‌اند ۲۱ نفر از آن‌ها متأهل می‌باشند.

متوسط هزینه‌های ماهیانه خانواده ۲/۶ درصد از دانشجویان شیعه مورد مطالعه کمتر از یک میلیون تومان، ۴۸/۳ درصد ۱۱۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰۰ تومان و ۱۸/۶ درصد بیش از سه میلیون تومان می‌باشد. همچنین متوسط هزینه‌های ماهیانه خانواده ۲/۲ درصد از دانشجویان

سنی مورد مطالعه کمتر از یک میلیون تومان، ۲۵/۷ درصد ۱۱۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰۰ تومان و ۲/۶ درصد بیش از سه میلیون تومان می‌باشد.

متوسط درآمد ماهیانه خانواده ۲/۲ درصد از دانشجویان شیعه مورد مطالعه کمتر از دو میلیون تومان، ۴۱/۳ درصد ۲۱۰۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰۰ تومان، ۱۴/۹ درصد ۴۱۰۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰۰۰ تومان، ۷/۴ درصد ۶۱۰۰۰۰۰ تا ۸۰۰۰۰۰۰ تومان و ۳/۷ درصد بیش از هشت میلیون تومان است. همچنین متوسط درآمد ماهیانه خانواده ۴/۸ درصد از دانشجویان شیعه مورد مطالعه کمتر از دو میلیون تومان، ۱۹/۳ درصد ۲۱۰۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰۰ تومان، ۵/۶ درصد ۴۱۰۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰۰۰ تومان و ۰/۷ درصد بیش از هشت میلیون تومان است.

مقدار میانگین و انحراف معیار مدت اقامت پاسخگویان شیعه به ترتیب ۲۹/۳۰ و ۲۰/۹۹۹ است، مینیمم مدت اقامت آن‌ها ۱ و ماکزیمم آن ۱۰۰ سال می‌باشد. مقدار میانگین و انحراف معیار مدت اقامت پاسخگویان سنی به ترتیب ۲۰/۰۱ و ۷/۱۷۶ است، مینیمم مدت اقامت آن‌ها ۱ و ماکزیمم آن ۳۰ سال می‌باشد.

۴۸/۰ درصد از دانشجویان شیعه مورد مطالعه در شهرستان و ۲۱/۶ درصد در تهران زندگی می‌کنند. همچنین ۲۵/۳ درصد از دانشجویان سنی مورد مطالعه ساکن شهرستان و ۵/۲ درصد ساکن تهران می‌باشند.

۷/۱ درصد از دانشجویان شیعه مورد مطالعه در منزل پدری، ۱/۹ درصد سازمانی، ۱۲/۶ درصد در منزل استیجاری و ۴۸/۰ درصد مالک می‌باشند. همچنین ۰/۴ درصد از دانشجویان سنی مورد مطالعه در منزل پدری، ۲/۳ درصد سازمانی، ۱۰/۸ درصد در منزل استیجاری و ۱۷/۱ درصد مالک می‌باشند.

یافته‌های استنباطی

یافته‌های به‌دست‌آمده از نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای دانشجویان شیعه نشان داد که مقدار همبستگی بین دو متغیر میزان هویت مذهبی و احساس طرد اجتماعی این دانشجویان ۰/۷۳۳ است، بنابراین بین میزان هویت مذهبی با احساس طرد اجتماعی رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ به عبارت دیگر هرچه هویت مذهبی افراد قوی‌تر باشد احساس

طرد اجتماعی آنان بیشتر است. ($p < 0.05$)

جدول ۲. ضریب همبستگی میان متغیر مستقل و وابسته به تفکیک مذهب

Table 2. Correlation coefficient between independent and dependent variables of religion segregation

احساس طرد اجتماعی	هویت مذهبی		
**0/733	1	ضریب همبستگی	شیعه (اکثریت)
0/000	0/000	سطح معناداری	
187	187	تعداد	
**0/833	1	ضریب همبستگی	سنی (اقلیت)
0/000	0/000	سطح معناداری	
82	82	تعداد	

** در سطح کمتر از ۰,۰۵ معنادار است.

همچنین یافته‌های به دست آمده از نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای دانشجویان سنی نشان داد که مقدار همبستگی بین دو متغیر میزان هویت مذهبی و احساس طرد اجتماعی دانشجویان سنی ۰/۸۳۳ است، بنابراین بین میزان هویت مذهبی با احساس طرد اجتماعی در دانشجویان سنی رابطه مثبت معنادار وجود دارد، به عبارت دیگر هرچه هویت مذهبی دانشجویان سنی قوی تر باشد احساس طرد اجتماعی آنان بیشتر است. ($p < 0.05$)

جدول ۳. ضریب همبستگی میان متغیر مستقل و متغیر واسطه بر اساس مذهب

Table 3. Correlation coefficient between the independent variable and the intermediate variable based on religion

فاصله اجتماعی	هویت مذهبی		
**0/802	1	ضریب همبستگی	شیعه (اکثریت)
0/000	0/000	سطح معناداری	
187	187	تعداد	
1	**0/885	ضریب همبستگی	سنی (اقلیت)
0/000	0/000	سطح معناداری	
82	82	تعداد	

** در سطح کمتر از ۰,۰۵ معنادار است.

یافته‌های به‌دست آمده از نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که مقدار همبستگی بین دو متغیر میزان هویت مذهبی دانشجویان شیعه و فاصله اجتماعی آنان ۰/۸۰۲۸ است، بنابراین بین میزان هویت مذهبی با فاصله اجتماعی در دانشجویان شیعه رابطه مثبت معنادار وجود دارد که نتایج حاکی از آن است هرچه هویت مذهبی دانشجویان شیعه قوی‌تر باشد فاصله اجتماعی آنان بیشتر است. ($p < 0.05$)

همچنین یافته‌های به‌دست آمده از نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که مقدار همبستگی بین دو متغیر میزان هویت مذهبی و فاصله اجتماعی دانشجویان سنی ۰/۸۸۵ است، بنابراین بین میزان هویت مذهبی با فاصله اجتماعی در دانشجویان سنی رابطه مثبت معنادار وجود دارد که نتایج حاکی از آن است هرچه هویت مذهبی دانشجویان سنی قوی‌تر باشد فاصله اجتماعی آنان بیشتر است. ($p < 0.05$)

جدول ۴. ضریب همبستگی میان متغیر وابسته و متغیر واسط بر اساس مذهب

Table 4. Correlation coefficient between dependent variable and intermediate variable based on religion

فاصله اجتماعی	احساس طرد اجتماعی		
**0/921	1	ضریب همبستگی	شیعه (اکثریت)
0/000	0/000	سطح معناداری	
187	187	تعداد	
**0/956	1	ضریب همبستگی	سنی (اقلیت)
0/000	0/000	سطح معناداری	
82	82	تعداد	

** در سطح کمتر از ۰,۰۵ معنادار است.

یافته‌های به‌دست آمده از نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که مقدار همبستگی بین دو متغیر میزان احساس طرد اجتماعی و فاصله اجتماعی دانشجویان شیعه ۰/۹۲۱ است، بنابراین بین احساس طرد اجتماعی و فاصله اجتماعی دانشجویان شیعه رابطه مثبت معنادار وجود دارد. نتایج حاکی از آن است هرچه فاصله اجتماعی دانشجویان شیعه بیشتر باشد احساس طرد اجتماعی در آنان بیشتر است. ($p < 0.05$)

همچنین یافته‌های به دست آمده از نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که مقدار همبستگی بین دو متغیر میزان احساس طرد اجتماعی و فاصله اجتماعی دانشجویان سنی ۰/۹۵۶ است، بنابراین بین احساس طرد اجتماعی و فاصله اجتماعی دانشجویان سنی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. نتایج حاکی از آن است هرچه فاصله اجتماعی دانشجویان سنی بیشتر باشد احساس طرد اجتماعی در آنان بیشتر است. ($p < 0.05$)

جدول ۵. نتایج آزمون تی دو نمونه‌ای مستقل برای متغیر مستقل برحسب نوع مذهب افراد

Table 5. The results of t-test are two independent samples for the independent variable according to the type of religion of individuals

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد		
0/874	267	-0/153	0/530	2/09	187	شیعه	مذهب
			0/700	2/10	82	سنی	

با توجه به جدول شماره پنج میزان هویت مذهبی در دانشجویان شیعه مورد مطالعه ۲/۰۹ از میزان هویت مذهبی دانشجویان سنی مورد مطالعه ۲/۱۰ کمتر می‌باشد. مقدار سطح معناداری متغیر هویت مذهبی افراد برابر با ۰/۸۷۴ است. پس تفاوت میان میانگین میزان هویت مذهبی در افراد با مذهب مختلف مورد مطالعه به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. ($p < 0.05$)

جدول ۶. نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل برای متغیر وابسته برحسب نوع مذهب افراد

Table 6. T-test results are two independent samples for the dependent variable according to the type of religion of individuals

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد		
-0/036	267	0/337	0/611	2/28	187	شیعه	مذهب
			0/725	2/35	82	سنی	

با توجه به جدول شماره شش میزان احساس طرد اجتماعی در دانشجویان شیعه مورد مطالعه ۲/۲۸ از میزان احساس طرد اجتماعی دانشجویان سنی مورد مطالعه ۲/۳۵ کمتر می‌باشد. مقدار سطح معناداری متغیر احساس طرد اجتماعی افراد برابر با ۰/۰۳۶ است، پس تفاوت

میان میانگین میزان احساس طرد اجتماعی در دانشجویان مورد مطالعه با مذهب مختلف به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. ($p < 0.05$)

جدول ۷. نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل برای متغیر واسط برحسب نوع مذهب افراد

Table 7. T-test results are two independent samples for the intermediate variable according to the type of religion

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد		
0/831	267	-0/213	0/575	2/18	187	شیعه	مذهب
			0/735	2/20	82	سنی	

با توجه به جدول شماره هفت میزان فاصله اجتماعی در دانشجویان شیعه مورد مطالعه ۲/۱۸ از میزان فاصله اجتماعی دانشجویان سنی مورد مطالعه ۲/۲۰ کمتر است. مقدار سطح معناداری متغیر فاصله اجتماعی افراد برابر با ۰/۸۳۱ است، بنابراین تفاوت میان میانگین میزان فاصله اجتماعی در افراد با مذهب مختلف مورد مطالعه به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. ($p < 0.05$)

جدول ۸. نتایج جدول آنالیز واریانس دو طرفه (اثرات اصلی و تعاملی) برحسب متغیر مستقل

Table 8. Results of two-way analysis of variance table (main and interactive effects) in terms of independent variables

فرض همگنی واریانس	اندازه اثر	سطح معناداری	مقدار F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
برابر	0/003	0/352	0/870	0/304	1	0/304	مذهب
	0/010	0/037	0/512	0/179	5	0/895	قومیت
	0/017	0/042	0/914	0/320	5	1/599	مذهب * قومیت
				0/350	257	89/918	خطا
					269	1268/500	کل

با توجه به جدول شماره هشت، اثر متقابل مذهب و قومیت تأثیر معناداری بر هویت مذهبی افراد دارد.

جدول ۹. نتایج جدول آنالیز واریانس دو طرفه (اثرات اصلی و تعاملی) بر حسب متغیر وابسته

Table 9. Results of two-way analysis of variance table (main and interactive effects) in terms of dependent variable

فرض همگنی واریانس	اندازه اثر	سطح معناداری	مقدار F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
برابر	0/001	0/309	0/183	0/078	1	0/078	مذهب
	0/017	0/026	0/893	0/379	5	1/897	قومیت
	0/015	0/019	0/802	0/341	5	1/703	مذهب* قومیت
				0/425	257	109/152	خطا
					269	145/141	کل

با توجه به جدول شماره نه اثر متقابل مذهب و قومیت تأثیر معناداری بر احساس طرد اجتماعی افراد دارد.

جدول ۱۰. نتایج جدول آنالیز واریانس دو طرفه (اثرات اصلی و تعاملی) بر حسب متغیر واسطی

Table 10. Results of two-way analysis of variance table (main and interactive effects) according to the interface variable

فرض همگنی واریانس	اندازه اثر	سطح معناداری	مقدار F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
برابر	0/001	0/066	0/187	0/074	1	0/074	مذهب
	0/020	0/023	1/054	0/419	5	2/095	قومیت
	0/019	0/016	1/003	0/399	5	1/995	مذهب* قومیت
				0/398	257	102/183	خطا
					269	1390/160	کل

با توجه به جدول شماره ده، اثر متقابل مذهب و قومیت تأثیر معناداری بر فاصله اجتماعی افراد دارد.

در رگرسیون حاضر متغیرهای مستقل مورد بررسی عبارت‌اند از:

هویت مذهبی، فاصله اجتماعی و موقعیت اجتماعی به تفکیک مذهب شیعه و سنی

جدول ۱۱. تحلیل رگرسیون برای تبیین متغیر وابسته (احساس طرد اجتماعی)

Table 11. Regression analysis to explain the dependent variable (feeling of social exclusion)

خلاصه مدل						
مدل	ضریب رگرسیون چندگانه	R ² ضریب تعیین	R ² adi ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	F	سطح معناداری
۱) شیعه	0/623	0/388	0/381	0/393	48/678	0/000
۲) سنی	0/583	0/340	0/333	0/443	50/756	0/000

نتایج آزمون تحلیل رگرسیون بیانگر آن است که ضریب همبستگی چندگانه در مدل اولیه شیعه $R = 0/623$ است؛ یعنی بین متغیرها ۶۲ درصد همبستگی وجود دارد. ضریب تعیین برابر با $R^2 = 0/388$ گزارش شده است. ضریب تعیین تعدیل یافته برابر با $R^2 = 0/381$ (تعدیل یافته) به دست آمد؛ این یافته بدین معناست که متغیرهای وارد شده به معادله توانسته‌اند ۳۸ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین نمایند. با توجه به مقادیر برآورد شده در جدول بالا مقدار آزمون F در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است، معادله رگرسیونی خطای برآورد ۰,۳۹۳ را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معنی داری رابطه حاصل شده از آزمون F (مقدار آماره F برابر ۴۸/۶۷۸ است) نیز می‌توان این گونه قضاوت نمود که حضور حداقل یکی از متغیرهای مربوطه در معادله معنی دار است. (سطح معنی داری ۰/۰۰۰)

همچنین نتایج آزمون تحلیل رگرسیون بیانگر آن است که ضریب همبستگی چندگانه در مدل دوم سنی $R = 0/583$ است؛ یعنی بین متغیرها ۵۸ درصد همبستگی وجود دارد. ضریب تعیین برابر با $R^2 = 0/340$ گزارش شده است. ضریب تعیین تعدیل یافته برابر با $R^2 = 0/333$ (تعدیل یافته) به دست آمد؛ این یافته بدین معناست که متغیرهای وارد شده به معادله توانسته‌اند ۳۳ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین نمایند. با توجه به مقادیر برآورد شده در جدول بالا مقدار آزمون F در سطح خطای ۰,۰۵ معنادار است، معادله رگرسیونی خطای برآورد ۰,۴۴۳ را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معنی داری

رابطه حاصل شده از آزمون F (مقدار آماره F برابر ۵۰/۷۵۶ است) نیز می توان این گونه قضاوت نمود که حضور حداقل یکی از متغیرهای مربوطه در معادله معنی دار است. (سطح معنی داری ۰/۰۰۰)

جدول ۱۲. نتایج ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک

Table 12. The results of the regression coefficients of the predictor variables on the criterion variable

سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		متغیرهای پیش‌بین	
		Beta	خطای استاندارد	B		
0/019	0/273		0/252	0/069	ثابت	شیعه
0/039	2/171	0/139	0/073	0/159	هویت مذهبی	
0/000	0/461	0/343	0/059	0/027	فاصله اجتماعی	
0/047	2/862		0/256	0/734	ثابت	سنی
0/037	5/151	0/211	0/073	0/376	هویت مذهبی	
0/000	4/540	0/353	0/072	0/352	فاصله اجتماعی	

بنا بر نتایج جدول شماره دوازده از متغیرهای وارد شده به معادله به تفکیک مذهب شیعه و سنی متغیرهای (هویت مذهبی، فاصله اجتماعی) رگرسیون رابطه معنی داری در معادله یافتند که با توجه به نتایج هویت مذهبی و فاصله اجتماعی تأثیر مستقیم بر میزان احساس طرد اجتماعی دارند ($p < 0.05$)

بر اساس اطلاعات به دست آمده از رگرسیون چند متغیری بتای متغیر فاصله اجتماعی در دانشجویان شیعه برابر ۰/۳۵۳ است و بتای متغیر هویت مذهبی برابر ۰/۲۱۱ می باشد؛ که نشان دهنده این است که بر میزان احساس طرد اجتماعی اثر گذار می باشند. با توجه به ضریب بتا استاندارد می توان نتیجه گرفت که متغیر فاصله اجتماعی بیشترین اثر را بر احساس طرد اجتماعی دارد.

همچنین بر اساس اطلاعات به دست آمده از رگرسیون چند متغیری بتای متغیر فاصله اجتماعی در دانشجویان سنی برابر ۰/۳۴۳ است و بتای متغیر هویت مذهبی برابر ۰/۲۱۱

می‌باشد؛ که نشان‌دهنده این است که بر میزان احساس طرد اجتماعی اثرگذار می‌باشند. با توجه به ضریب بتا استاندارد می‌توان نتیجه گرفت که متغیر فاصله اجتماعی بیشترین اثر را بر احساس طرد دارد.

در رگرسیون حاضر متغیرهای مستقل مورد بررسی عبارت‌اند از:
هویت مذهبی، فاصله اجتماعی و قومیت

جدول ۱۳. تحلیل رگرسیون برای تبیین متغیر وابسته (احساس طرد اجتماعی)

Table 13. Regression analysis to explain the dependent variable (feeling of social exclusion)

خلاصه مدل						
مدل	ضریب رگرسیون چندگانه	ضریب تعیین	R^2_{adj} ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	F	سطح معناداری
1	0/632	0/399	0/390	0/232	453/835	0/000

نتایج آزمون تحلیل رگرسیون بیانگر آن است که ضریب همبستگی چندگانه $R=0/632$ است. ضریب تعیین برابر با $R^2=0/399$ گزارش شده است. ضریب تعیین تعدیل یافته برابر با $R^2=0/390$ تعدیل یافته) به دست آمد؛ این یافته بدین معناست که متغیرهای وارد شده به معادله توانسته‌اند ۳۹ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین نمایند. با توجه به مقادیر برآورد شده در جدول بالا مقدار آزمون F در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است، معادله رگرسیونی خطای برآورد ۰/۲۳۲ را نشان نمی‌دهد. با توجه به سطح معنی‌داری رابطه حاصل شده از آزمون F (مقدار آماره F برابر ۴۵۳٫۸۳۵ است) نیز می‌توان این‌گونه قضاوت نمود که حضور حداقل یکی از متغیرهای مربوطه در معادله معنی‌دار است. (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰)

جدول ۱۴. نتایج ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک

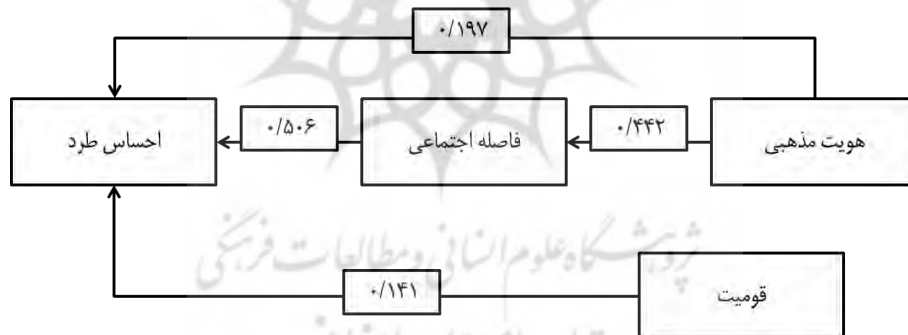
Table 14. The results of the regression coefficients of the predictor variables on the criterion variable

سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		متغیرهای پیش‌بین
		Beta	خطای استاندارد	B	

0/026	8/125		0/114	0/957	ثابت
0/029	3/801	0/197	0/044	0/141	هویت مذهبی
0/000	4/94	0/506	0/041	0/076	فاصله اجتماعی
0/010	0/559	0/141	0/008	0/008	قومیت

بنا بر نتایج جدول شماره چهارده از متغیرهای وارد شده به معادله متغیرهای (هویت مذهبی، فاصله اجتماعی، موقعیت اجتماعی و قومیت) رگرسیون رابطه معنی داری در معادله یافتند که با توجه به نتایج هویت مذهبی و فاصله اجتماعی و قومیت تأثیر مستقیم بر میزان احساس طرد اجتماعی دارند. ($p < 0.05$)

بر اساس اطلاعات به دست آمده از رگرسیون چند متغیری بتای متغیر فاصله اجتماعی برابر ۰/۵۰۶ است، بتای متغیر هویت مذهبی برابر ۰/۱۹۷ و بتای متغیر قومیت ۰/۱۴۱ می باشد که نشان دهنده این است که بر میزان احساس طرد اجتماعی اثر گذار می باشند. با توجه به ضریب بتای استاندارد می توان نتیجه گرفت که متغیر فاصله اجتماعی بیشترین اثر را بر احساس طرد اجتماعی دارد.



شکل ۱. مدل نهایی پژوهش

Figure 1. Final research model

بحث و نتیجه گیری

بر اساس نظریه هویت اجتماعی تاجفل فرد آنهایی را که به آن تعلق دارد به عنوان درون گروه و مقوله مثبت و آنهایی را که به آنها متعلق نیست، تحت عنوان برون گروه می شناسد؛ بنابراین مطالعات گروه اقلیت نشان می دهد که کنش صرف افراد در مقوله بندی

خودشان به عنوان اعضای گروه کافی بود تا آنها را به سمت نمایش جانب‌داری درون‌گروهی رهنمون شوند. بعد از این که عضویت در یک گروه مقوله‌بندی می‌شود، افراد از طریق تفاوت‌گذاری قاطعانه، درون‌گروهشان در مقایسه با بیرون‌گروه نسبت به یک سری ابعاد ارزشی درصدد دستیابی به اعتمادبه‌نفس مثبت هستند. این تلاش برای تمایزگذاری مثبت بدین معنی است که احساس مردم در خصوص این که «چه کسی هستند» با کلمه «ما» تعریف می‌شود تا با کلمه «من»؛ به عبارت دیگر، به بیان تاجفل، ما تمایل داریم بر شباهت بین اعضای یک مقوله و تفاوت بین مقوله‌ها در بین این گروه‌ها، فرد آن‌هایی را که بدان تعلق خاطر دارد (درون‌گروه) می‌شناسند و آن‌هایی را که بدان متعلق نیست (برون‌گروه) نیز تمیز می‌دهد (Tajfel & Wilks, 1963).

درواقع هویت، معطوف به بازشناسی مرز میان «خودی» و «بیگانه» است که عمدتاً از طریق هم‌سنجی‌های اجتماعی و انفکاک میان درون‌گروه از برون‌گروه‌ها ممکن می‌شود. اهمیت تمایزها، ستیزها و تنش‌های گروهی، حتی در شرایط نبود تضاد منافع، از این جنبه هویت ناشی (Golmohammadi, 2002).

بر اساس تعریف ارائه‌شده در خصوص هویت اجتماعی، درواقع می‌توان گفت که باتوجه به اینکه خاص‌گرایی در بین گروه‌های قومی و مذهبی مطرح است، پیوندهای این گروه‌ها با تمایزگذاری میان خود به عنوان درون‌گروه قوی می‌شود و با گروه دیگر به عنوان گروه مسلط دچار چالش‌ها و مسائلی می‌گردند که از این طریق خاص‌گرایی و پیوندهای میان آن‌ها به عنوان درون‌گروه قوی می‌شوند و آسیب‌ها و مسائلی را در جامعه به وجود می‌آورند که ناشی از همین موضوع هویت خاص آن‌ها است. به عنوان مثال می‌توان تمایزگذاری میان درون‌گروه و برون‌گروه در زمینه دستیابی به فرصت‌ها و منابع را مطرح کرد که درواقع نوعی تبعیض را در درون‌گروه خود به عنوان گروه اقلیت در مقایسه با گروه اکثریت احساس می‌کنند.

باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده میان هویت مذهبی با احساس طرد اجتماعی در میان دو گروه دانشجویان شیعه و سنی، رابطه وجود دارد. همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش

هویت مذهبی به تنهایی و با کنترل قومیت با احساس طرد اجتماعی رابطه دارد اما این رابطه زمانی که بدون کنترل قومیت سنجش می‌شود، ضریب همبستگی بالاتری می‌یابد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قومیت نیز بخشی از واریانس مربوط به متغیر وابسته را تبیین می‌کند و بر آن تأثیر دارد.

همچنین یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که احساس طرد اجتماعی بر حسب هویت قومی مذهبی دانشجویان تغییر می‌کند.

همان‌طور که از نتایج روابط دو متغیره پیدا است، هویت مذهبی با میزان فاصله اجتماعی رابطه داشته اما بر اساس نتایج آنالیز واریانس دو طرفه مذهب به تنهایی با فاصله اجتماعی رابطه ندارد اما اثر متقابل مذهب و قومیت با فاصله اجتماعی رابطه دارد.

نتایج آزمون روابط دو متغیره و نیز آزمون آنالیز واریانس دو طرفه بر حسب فاصله اجتماعی در این تحقیق حاکی از آن است که احساس فاصله اجتماعی دانشجویان بر حسب هویت قومی مذهبی آن‌ها متغیر است و بر این اساس هرچه هویت مذهبی دانشجویان شیعه بیشتر باشد احساس فاصله اجتماعی در آنان بیشتر بوده و نیز اثر تعاملی مذهب و قومیت تأثیر معناداری بر احساس فاصله اجتماعی دانشجویان دارد.

همچنین با توجه به نتایج روابط دو متغیره و نیز تحلیل رگرسیون فاصله اجتماعی با احساس طرد اجتماعی فرض رابطه فاصله اجتماعی با احساس طرد اجتماعی تأیید می‌شود. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که پاسخگویان سنی بر حسب فاصله اجتماعی شان احساس طرد بیشتری نسبت به پاسخگویان شیعه دارند؛ بنابراین فرض تفاوت احساس فاصله اجتماعی بر حسب هویت قومی مذهبی دانشجویان، تأیید می‌شود. این نتایج با نتایج تحقیق عبداللهی و قادرزاده با عنوان فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن در ایران هم‌سو است.

باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده از بررسی روابط دو متغیره از قبیل رابطه هویت مذهبی با احساس طرد اجتماعی و نیز آزمون تحلیل رگرسیون متغیرهای مذهب، فاصله اجتماعی، موقعیت اجتماعی و قومیت برای تبیین احساس طرد اجتماعی، فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر

اینکه احساس طرد اجتماعی برحسب هویت قومی مذهبی دانشجویان تغییر می‌کند، تأیید می‌شود؛ که این رابطه همسو با تحقیق انجام‌شده توسط محمدزاده رضایی در زمینه زمینه‌های واگرایی فرهنگی و خشونت سیاسی می‌باشد که با توجه به نتایج آن اقلیت سنی مذهب ایرانی در موقعیت واگرایی قرار گرفته‌اند که بنا به خوانش ایشان از یک طرف با احساس طردشدگی از جانب دولت مرکزی همراه است و از طرف دیگر با طرد کردن دولت مرکزی و احساس بی‌اعتمادی بدان هم‌زمان می‌گردد.

همان‌طور که از نتایج روابط دو متغیره پیدا است، هویت مذهبی با میزان فاصله اجتماعی رابطه داشته اما بر اساس نتایج آنالیز واریانس دو طرفه مذهب به تنهایی با فاصله اجتماعی رابطه ندارد اما اثر متقابل مذهب و قومیت با فاصله اجتماعی رابطه دارد. این نتایج با نتایج تحقیق اکبرنیا در خصوص دین‌داری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی هم‌سو است.

نتایج آزمون روابط دو متغیره و نیز آزمون آنالیز واریانس دو طرفه برحسب فاصله اجتماعی در این تحقیق حاکی از آن است که احساس فاصله اجتماعی دانشجویان برحسب هویت مذهبی آن‌ها متغیر است و بر این اساس هرچه هویت مذهبی افراد شیعه بیشتر باشد احساس فاصله اجتماعی در آنان بیشتر بوده و نیز اثر تعاملی مذهب و قومیت تأثیر معناداری بر احساس فاصله اجتماعی دانشجویان دارد. در نتیجه فرض سوم تحقیق مبنی بر تفاوت احساس فاصله اجتماعی برحسب هویت قومی مذهبی دانشجویان شیعه و سنی، تأیید می‌شود.

همچنین با توجه به نتایج روابط دو متغیره و نیز تحلیل رگرسیون فاصله اجتماعی با احساس طرد اجتماعی فرض رابطه فاصله اجتماعی با احساس طرد اجتماعی تأیید می‌شود. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که پاسخگویان سنی برحسب فاصله اجتماعی‌شان احساس طرد بیشتری نسبت به پاسخگویان شیعه دارند؛ بنابراین فرض تفاوت احساس فاصله اجتماعی برحسب هویت مذهبی دانشجویان، تأیید می‌شود. این نتایج با نتایج تحقیق عبداللہی و قادرزاده با عنوان فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن در ایران هم‌سو

است.

همان‌طور که در نظریات و رویکردهای مربوط به طرد اجتماعی اشاره شد، با توجه به رویکردهای انحصاری و تخصصی‌سازی و نیز نظریات گیدنز، جیرون و بوردیو افراد بر اساس فرصت‌های دستیابی به موقعیت اجتماعی و نیز تحرک از سطوح مختلف موقعیت و پایگاه اجتماعی و اقتصادی احساس طرد اجتماعی را در سطوح مختلف تجربه می‌کنند. هرچه فرصت‌های دستیابی افراد و گروه‌ها به موقعیت‌های اجتماعی در جامعه بیشتر باشد احساس طرد اجتماعی در آنان کمتر بوده و بالعکس هرچه فرصت‌های دستیابی به منابع و امکانات اجتماعی و موقعیت اجتماعی و فرصت تحرک اجتماعی در جامعه برای افراد و گروه‌ها کم‌تر فراهم شود احساس طرد اجتماعی در آن‌ها تشدید می‌شود. این نظریات با فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر موقعیت اجتماعی و احساس طرد اجتماعی هم‌سو است.

از طرف دیگر در پارادایم همبستگی و نظریه‌های مربوط به طرد اجتماعی از قبیل نظریات مارتین زیبرا، طرد اجتماعی زمانی حاصل می‌شود که افراد یا گروه‌ها به دلیل قرار گرفتن در گروه اقلیت مسلط بودن فرهنگ اکثریت در جامعه به انزوا کشیده شده و از هنجارهای مسلط جامعه فاصله داشته و از شرکت در فعالیت‌های کلیدی جامعه دوری می‌کنند. این نظریات نیز با این فرض تحقیق که فاصله اجتماعی با احساس طرد اجتماعی رابطه دارد هم‌سو بوده و ادله محکمی برای تأیید آن به ما می‌دهند.

همچنین با توجه به رویکردهای مربوط به هویت و ارتباط آن با فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری و سازگاری افراد با آن فرهنگ و حضورشان در جامعه و تعامل با سایر افراد و گروه‌ها نشان می‌دهد که هویت قومی و مذهبی با احساس طرد اجتماعی رابطه دارد، چراکه با توجه به رویکرد قشربندی در رویکردهای مربوط به هویت درمی‌یابیم که مبنای اصلی این گروه فاصله اجتماعی بوده و براین اساس استمرار نابرابری دارای منشأ ایدئولوژیک بوده و ریشه‌های آن در افکار قالب یافت می‌شود. بر اساس این رویکرد فرض اصلی تحقیق مبنی بر اینکه هویت مذهبی با احساس طرد اجتماعی رابطه دارد از نظر

تئوریکي نیز قابل تأیید است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

سپاسگزاری

از استاد راهنمای محترم سرکار خانم دکتر قاضی‌نژاد که زحمت بسیاری در راستای ویرایش علمی و نگارشی مقاله کشیده‌اند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

ORCID

Mahnaz Karami

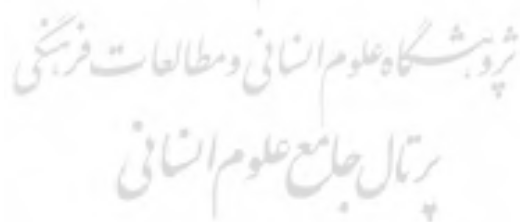
 <http://orcid.org/0000-0002-4137-9657>

Maryam Ghazinejad

 <http://orcid.org/0000-0002-2563-956x>

mansourehazam Azadeh

 <http://orcid.org/0000-0003-2918-8783>



References

- Abdullahi, M and Qaderzadeh, O. (2004). "Ethnic distance and its factors in Iran". [in Persian]. *Social Sciences Quarterly*, 10(24). 1-36
- Ahmadpour, A. Sh. (1999). *The Impact of Globalization on the Rethinking of Sexual Interactions among Iranian Youth (Case Study of Tehran University Students)*, M.Sc. Thesis, Al-Zahra University.2(24). 73-92
- Akhlaghipour, M. (2009) "Sociological study of the social distance between indigenous citizens and non-indigenous minorities in Bandar Abbas". 1(5). 132
- Aliverdinia, A., Ebrahimi, G. A, Salehnejad, S. (2011). "Sociological study of rational choices on deviant behaviors: A case study of Urmia students". [in Persian]. *Iranian Journal of Social Issues*, second year, number five and six. 2(5, 6).143-167
- Ayar, A, Khani, S., Khezri, F. (2010). "Study of the role of social protection and control in crime; a study among delinquent and ordinary youth in Ilam" *Quarterly Journal of Disciplinary Knowledge*, 14(9).10
- Bellani, I., Ambrosio, D. (2011). "Deprivation, Social Exclusion and Subjective Well-Being", University di Milano-Bicocca, DIW Berlin and Econpublic, University Bocconi conchity. November 10.
- Blake Moore, K. (2006). *Introduction to Social Policy Making*, translated by Ali Asghar Saeedi and Saeed Sadeghi Jaqeh, Tehran: Higher Institute for Social Security Research. 435
- Burchardt, T., J. Le Grand, and D. Piachaud (2002), Introduction in: John Hills, Julian Le Grand, and P. David, *Understanding Social Exclusion*, United King: Oxford University.
- Butol, G. (2009), *Sociology of Peace*, translated by Houshang Farrokhjasteh. [in Persian]. Tehran: Sociologists Publications. 126
- Chitsaz Qomi, M. J. (2004). *Religious Identity of Youth in Iran*, Book of Theoretical Foundations of Identity and Identity Crisis, Collection of Articles, Compiled by Ali Akbar Alikhani, Tehran, First Edition, Jihad University Humanities and Social Sciences Research Institute. 195
- D.A.Devas. J. (2003). *Survey in Social Research*, translated by Houshang Naebi, Tehran: Ney Publishing. 65.
- European Commission, (2013), *Communication from the Commission to the European Parliament, the Council, the European Economic and Social Committee and the Committee of the Regions, Towards Social Investment for Growth and Cohesion – including implementing the European Social Fund 2014-2020*, COM(2013) 83 final, 20(2).
- Fakuhi, N. (2010). *Harmony and Conflict in Identity and Ethnicity*. [in Persian]. Tehran, Golazin Publishing.138.
- Firoozabadi, S. A., Sadeghi, A. (2013), "Social rejection of a sociological

- approach to deprivation". [in Persian]. Tehran: Sociologists Publications. 153.
- Galabuzi, G. E. (2002), "Social Inclusion as a Determinant of Health", Toronto: The Life Span Conference.
- Ghaffari, Gh., Tajuddin, M. B. (2005), "Identification of components of social deprivation". [in Persian]. Journal of Social Welfare, No. 17.10
- Ghaderi, M. (2005). Effects and Consequences of Network Society on Youth Social Identity, M.Sc. Thesis, University of Isfahan.52.
- Ghazinejad, M. (2010). "Social Exclusion of Youth" Causes and Consequences "[in Persian]. Center for Child and Adolescent Studies. 12(19). 49-80.
- Ghazinejad, M., Akbarnia, G. (2017). "Religiosity: Social Tolerance or Social Distance (A Survey among Muslims and Christians in Tehran)". [in Persian]. Journal of Social Studies and Research in Iran, Volume 6(1).1.
- Giddens, A. (2007), The Third Way, translated by Manouchehr Sabouri Kashani, Tehran, Shirazeh Publishing. 466.
- Golmhamadi, A. (2002). Globalization, Culture, Identit, nashr e ney, Tehran. 224.
- Greve, B. (2000). "Is a Supernational Strategy for Social Inclusion?" Institut for Samfundsvidenskan og Erhvevoconomi, Research Paper, Roskild University, Denmark. 6/02.
- Hamidian, A., Zahedi, M. J., Maleki, A., Ansari, E. (2015). "Study of the relationship between socio-economic inequalities and social exclusion of groups in the metropolis of Isfahan". [in Persian].Isfahan Sociological Quarterly, 4(6).2
- Kabeer, N. (2006)."Social Exclusion and MDGs:the challenge of 'Durable Inequalities' in the Asian context", in Asia 2015-promoting Growth Ending poverty, Institute of development studies: <http://www:asia2015.conference.org/pdfs/kebeer.pdf>
- Mohammadi, S. (2017), "Ethnicity, Religion and Job Opportunities (Case Study: People aged 15 to 64 in Sanandaj)". [in Persian]. Master Thesis, Al-Zahra University, Tehran.1
- Mahmoudzadeh Rezaei, S. (2012). "Areas of cultural divergence and political violence among the Sunni people of Balochistan, Kurdistan and the Iranian region". [in Persian]. Master's thesis. Allameh Tabatabaei University. 1-15
- Nawah, A. R., Heidari Kheiri, S. A. H. (2017). "Ethnicity and the feeling of social exclusion, social dangers ahead (case study, Arab people of Ahvaz city)". [in Persian]. 4(17). 74-104.
- Ritzer, G. (1988). Theories of Contemporary Sociology, translated by Mohsen Thalasi, Tehran, Scientific Publications.701.

- Shaygan, D. (2001). *New Enchantment: Forty-Piece Identity and Mobile Thinking*, translated by Fatemeh Valiani. [in Persian]. Tehran, Farzan Rooz Publishing. 15
- Shayan Mehr, A. (1998). *Comparative Encyclopedia of Social Sciences*, Kayhan Publishing Organization, Tehran. 487.
- Silver, H. (1994), "Social Exclusion and Social Solidarity: Three Paradigms *International Labour Review*". *ABI/ Information Global*. 133(5, 6)
- Taliban, M. R. (2009). *A Conceptual Framework for Surveying Religiosity in Iran*, *Islamic and Social Sciences Quarterly*.1(2). 7-28.
- Tajfel, H. (1978). *Differentiation Between Social Groups*, London: Academic.
- Tajfel and Wilkes. (1963). *On the role of familiarity with units of measurement in categorical accentuation: revisited and replicated*. *Psychological Science*, 13(4), 380–383.
- Raufi, M. (2010). *Components of religious identity*. *Religion and Communication Spring - Summer and Autumn*. 37, 38. 15.
- Room, G. (1994). *Poverty Studies in European Union: Retrospect and Prospect*, paper to Confrence on Understanding Social Exclusion: *Lessons from Transnational Research Studies*, London: PSI. 25
- Zare Shahabadi, A., Belgorian, M. (2014). "Study of the relationship between social exclusion and delinquency among female students of Yazd University". [in Persian]. *Iranian Journal of Social Issues*. 4(2). 266
- Zebra, M. (2006). *Sociological theories of the socially excluded*, translated by Seyed Hassan Hosseini, first edition, Tehran, its publications. 40
- Wright. N, Stickley. T. (2013). "Concepts of social inclusion, exclusion and mental health": a review o

استناد به این مقاله: کرمی، مهناز، قاضی نژاد، مریم، آزاده، منصوره اعظم. (۱۴۰۰). رابطه هویت مذهبی و احساس طرد اجتماعی در بین دانشجویان، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۸(۹۴)، ۱-۴۳.

DOI: 10.22054/QJSS.2021.60603.2387



Social sciences is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی